

جدول شماره (۲): وضعیت عملکرد تبصره ۴ سهم وزارت تعاون تا پایان اسفند ۷۴
(بخش فرش و صنایع دستی)

ارقام به میلیون ریال

ردیف	نام استان	اعتبار تخصیصی	تعداد کل طرحها	وام درخواستی	وام تصویبی		
					تعداد طرح تصویبی	قرض الحسنه	سایر
۱	آذربایجان شرقی	۱۷۰۰	۲۱	۱۷۵۶/۲۵	۱۹	۹۵/۸۵	۱۴۵۴/۱۵
۲	آذربایجان غربی	۱۰۰	۲	۸۵۸	۱	۶	۹۴
۳	اردبیل	۴۵۰	۸	۴۵۰	۶	۳/۳۱۵	۳۴۱/۳۷
۴	اصفهان	۲۵۲۱	۲۰	۴۵۵۰	۲۰	۱۳۸	۲۱۱۲
۵	ایلام	۲۵۰	۱	۲۰۰	۱	۵۰	۱۵۰
۶	بوشهر	۳۳۰	۱۰	۱۰۱۰	۱۰	۲۰	۳۱۰
۷	تهران	۱۸۰۰	۸	۲۴۲۰	۸	۱۱۱	۱۶۳۹
۸	چهارمحال و بختیاری	۸۰۰	۲	۳۰۰	۲	۲۵/۸	۸۳/۲
۹	خراسان	۵۰۰	۱۶	۱۰۶۶/۵۸	۱۴	۳۱/۰۸	۴۲۸/۵
۱۰	خوزستان	۱۲۰	۳	۱۶۰/۵	۳	۲۹/۵	۱۱۳
۱۱	زنجان	۱۰۰	۱	۳۰۰	۱	۶	۹۴
۱۲	سمنان	۱۰۰	۲	۵۵	۲	۲/۸	۷۵/۲
۱۳	سیستان و بلوچستان	۵۰	۱	۵۰	۱	۱۲	۳۸
۱۴	فارس	۲۲۰۰	۲۳	۹۹۲۰	۱۶	۸۵	۱۶۶۵
۱۵	کردستان	۴۰۰۰	۲۷	۹۸۰۰	۲۷	۲۴۶	۳۷۵۵
۱۶	کرمان	۱۸۵۰	۲۰	۳۱۷۵	۱۹	۱۲۰	۱۶۳۰
۱۷	کرمانشاه	۳۰۰۰	۱۴	۵۳۵۷	۱۱	۲۷۰۰	۰
۱۸	کهگیلویه و بویراحمد	۳۷۹	۰	۰	۰	۰	۰
۱۹	گیلان	۱۵۰	۲	۷۲۰	۲	۹	۱۴۱
۲۰	لرستان	۶۶۰	۱۴	۶۹۰	۱۳	۴۰/۷۸	۵۴۹/۲۲
۲۱	مازندران	۱۲۰۰	۶	۳۱۵۰	۶	۷۴	۱۰۸۸
۲۲	مرکزی	۲۴۰۰	۴	۳۲۰	۲	۲۰	۱۳۰
۲۳	هرمزگان	۱۰۰	۱	۱۶۵	۱	۵۵	۱۱۰
۲۴	همدان	۱۱۰۰	۲	۱۱۰۰	۲	۶۸	۱۰۳۲
۲۵	یزد	۴۵۰	۴	۴۳۸	۴	۲۶	۴۱۲
۲۶	فرااستانی	۶۱۹۰	۱	۲۴۰۰	۱	۲۲۲/۸	۴۱۲۷/۲
	جمع کل	۳۲۵۰۰	۲۳۳	۵۲۳۱۱/۳۳	۱۹۲	۴۲۴۹/۹۲۵	۲۱۵۲۱/۸۴

عملکرد کلی

از جمع بندی کلی عملکرد تبصره ۴ سال ۱۳۷۴ در ۲ بخش کشاورزی و نیز فرش و صنایع دستی چنین نتیجه گیری می شود که:

دستگاه ذیربط	میلیارد ریال	درصد به کل
۱- کل اعتبار تخصیصی ۱۳۰۰ میلیارد ریال		
۲- سهم اعتبار تعاونیهای تحت پوشش وزارت تعاون	۵۶/۵	۴/۳۵
۱- ۲- سهم شرکتهای و اتحادیههای تولید کشاورزی	۲۴	۱/۸۵
۲- ۲- سهم شرکتهای و اتحادیههای فرش و صنایع دستی	۳۲/۵	۲/۵

شایان ذکر است که ۱۶/۵٪ اعتبارات تصویبی از محل اعتبارات قرض الحسنه تبصره و ۸۳/۵٪ از محل سایر منابع بانکی برابر آئین نامه اجرایی اختصاص یافت.

بالاترین رقم تسهیلات صرف نظر از شرکتهای و اتحادیههای تعاونی فرش فرااستانی به ترتیب در استانهای کردستان، کرمانشاه و اصفهان به تصویب رسید لیکن مقایسه بین درصد تسهیلات تصویبی به کل اعتبار تخصیصی هر استان نشان می دهد که استانهای هرمزگان، خراسان و کردستان بالاترین درصد را به خود اختصاص داده اند. (جدول شماره ۲) بررسی تعداد اعضاء و شاغلین تعاونیهای مذکور نشان می دهد که برای ۳۵۴۲۶ نفر امکان بهره گیری مستقیم از تسهیلات فراهم گردیده است.

نمودار شماره (۶) وضعیت اعتبارات تخصیصی و تصویبی بخش فرش و صنایع دستی را در استانهای مختلف کشور نشان می دهد.

جدول شماره (۳): وضعیت عملکرد تبصره ۴ سهم وزارت تعاون تا پایان اسفند ۷۴
(جمع طرحها)

ارقام به میلیون ریال

ردیف	نام استان	اعتبار تخصیصی	تعداد کل طرحها	وام درخواستی	تعداد طرح	وام تصویبی			درصد تصویبی به تخصیصی
						فرض الحسنه	سایر	کل	
۱	آذربایجان شرقی	۲۶۲۰	۴۱	۲۸۶۶/۲۴	۳۷	۲۳۴/۹۹۵	۲۲۸۴/۹۹۵	۲۶۱۹/۹۹۹	۱۰۰
۲	آذربایجان غربی	۹۵۰	۳۹	۲۶۶۴	۲۷	۲۱۸	۷۳۲	۹۵۰	۱۰۰
۳	اردبیل	۹۰۰	۱۷	۹۰۰	۱۴	۸۲/۷۱۵	۶۶۹/۹۷	۷۳۲/۶۸۵	۸۱/۴۱
۴	اصفهان	۳۸۷۱	۴۰	۶۷۹۵	۴۰	۳۷۶/۵	۲۸۲۰/۵	۳۱۹۷	۸۲/۵۹
۵	ایلام	۷۰۰	۳	۶۴۰	۳	۱۸۴/۲	۴۵۵/۸	۶۴۰	۹۱/۴۳
۶	بوشهر	۱۱۴۰	۳۱	۲۳۹۵	۳۱	۲۴۵	۸۸۳/۹	۱۱۲۸/۹	۹۹/۹
۷	تهران	۲۸۵۰	۲۱	۳۲۹۲	۲۱	۳۴۱	۲۳۰۷	۲۶۴۸	۹۲/۹۱
۸	چهارمحال و بختیاری	۱۲۰۰	۱۳	۶۵۶/۵	۱۳	۸۸/۳	۲۷۷/۲	۳۶۵/۵	۳۰/۴۶
۹	خراسان	۲۹۰۰	۱۲۸	۵۷۷۶/۲۷	۱۰۴	۵۴۴/۰۶۶	۱۹۶۵/۶۶۴	۲۵۰۹/۷۳	۸۶/۵۴
۱۰	خوزستان	۱۲۷۰	۱۲	۱۳۶۴/۳	۶	۸۲	۵۸۳	۶۶۵	۵۲۳۶
۱۱	زنجان	۷۰۰	۸	۸۷۵	۸	۱۲۶	۴۴۹	۵۷۵	۸۲/۱۴
۱۲	سمنان	۱۱۵۰	۳۳	۱۰۹۰/۴	۳۳	۲۴۷/۹	۸۲۲/۵	۱۰۷۰/۴	۹۳/۰۸
۱۳	سیستان و بلوچستان	۱۱۰۰	۱۵	۱۳۲۰	۱۵	۲۸۹/۵	۸۹۰/۵	۱۱۸۰	۱۰۷/۲۷
۱۴	فارس	۳۳۰۰	۸۳	۱۲۵۴۰	۴۱	۳۴۶	۳۴۶۹	۲۸۱۵	۸۵/۳
۱۵	کردستان	۴۸۵۰	۴۸	۱۱۶۸۴	۴۸	۴۵۹	۳۳۹۲	۴۸۵۱	۱۰۰/۰۲
۱۶	کرمان	۴۹۵۰	۶۹	۱۳۳۶۱	۶۳	۸۹۵	۳۹۶۰	۴۸۵۵	۹۸/۰۸
۱۷	کرمانشاه	۳۸۰۰	۱۹	۵۷۵۴	۱۴	۲۹۴۵	.	۲۹۴۵	۷۷/۵
۱۸	کهگیلویه و بویراحمد	۷۲۹	۲	۳۷۹	۲	۳۱	۳۴۸	۳۷۹	۵۱/۹۹
۱۹	گیلان	۱۰۰۰	۲۰	۳۳۳۰	۱۴	۲۲۹/۵	۸۰۰/۵	۱۰۳۰	۱۰۳
۲۰	لرستان	۱۵۶۰	۴۴	۱۷۲۵	۴۳	۲۹۵/۷۷	۱۳۲۶/۳	۱۶۲۲/۵	۱۰۴/۰۱
۲۱	مازندران	۲۱۰۰	۴۷	۶۳۳۷	۲۸	۳۳۳/۹۷۶	۱۶۵۸/۰۲۴	۱۹۹۲	۹۴/۸۶
۲۲	مرکزی	۳۴۰۰	۲۹	۱۵۳۵	۲۶	۲۵۱/۲۵	۹۱۴/۷۵	۱۱۶۵	۳۴/۲۶
۲۳	هرمزگان	۶۰۰	۱۴	۳۰۶	۱۴	۱۰۲	۲۰۴	۳۰۶	۵۱
۲۴	همدان	۱۶۵۰	۱۱	۱۶۹۰	۹	۱۹۳	۱۴۰۷	۱۶۰۰	۹۶/۹۷
۲۵	یزد	۱۰۳۰	۲۷	۱۲۰۴	۲۶	۱۷۴/۵	۸۵۰	۱۰۲۴/۵	۹۹/۴۷
۲۶	فراستانی	۶۱۹۰	۱	۴۴۰۰	۱	۳۷۲/۸	۴۱۲۷/۲	۴۴۰۰	۷۱/۰۸
	جمع موقت	۵۶۵۰۰	۸۱۵	۹۴۷۷۹/۷۱	۶۷۹	۹۶۸۸/۹۷۲	۳۷۵۷۸/۲۳۳	۴۷۲۶۷/۲	۸۳/۶۶
	اعتبارات تمدید شده سال قبل توسط بانک عامل							۹۲۳۲/۸	
	جمع کل کشور	۵۶۵۰۰	۸۱۵	۹۴۷۷۹/۷۱	۶۷۹	۹۶۸۸/۹۷۲	۳۷۵۷۸/۲۳۳	۵۶۵۰۰	۱۰۰

۳- کل اعتبار درخواستی ۹۴/۸ میلیارد ریال و به عبارتی ۶۷/۸٪ اعتبار تخصیصی بخش مذکور.

۲- اعتبارات تصویبی در بخش فرش و صنایع دستی ۲۵/۸٪

۳- اعتبار درخواستی در بخش تولیدات کشاورزی ۴۲/۵٪

۳-۱ میلیارد ریال که ۷۷/۱٪ بیش از اعتبارات تخصیصی بخش کشاورزی بوده است.

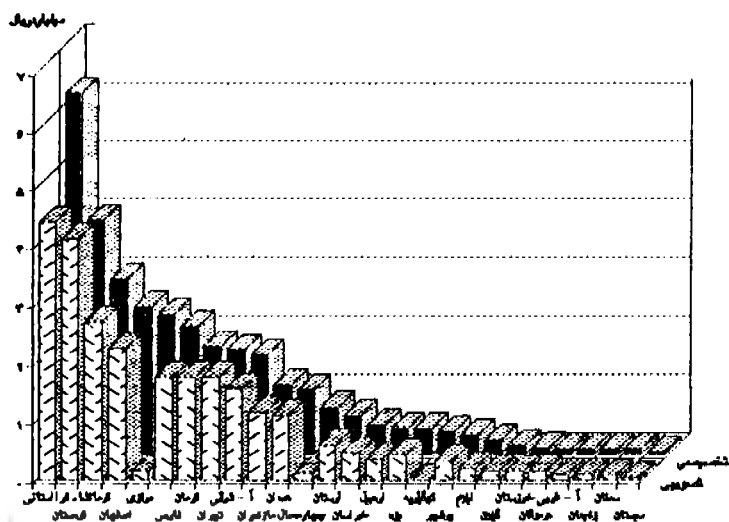
۳-۲ اعتبار درخواستی اتحادیه‌ها و تعاونیهای فرش ۵۲/۳٪

۳-۳ تعاونی ۰/۰۷٪ میلیارد ریال که این نسبت برای شرکت یا اتحادیه‌های تعاونی کشاورزی ۴٪ میلیارد ریال و برای شرکت یا اتحادیه‌های فرش ۰/۱۳٪ میلیارد ریال بوده است.

۴- کل اعتبار تصویبی ۴۷/۳ میلیارد ریال معادل ۸۳/۷٪ اعتبار تخصیصی

۴-۱ اعتبارات تصویبی در بخش تولید کشاورزی ۲۱/۴٪

نمودار شماره (۶): مقایسه مبالغ تخصیصی و تصویبی متقاضیان استفاده از اعتبار تبصره ۴ در بخش فرش و صنایع دستی



می‌رسد از این رو بهتر است به جای نگهداری اعتبارات از سوی بانک عامل به عنوان بازپرداخت اعتبارات، زمان تعیین شده در ماده ۱۰ آئین‌نامه اجرایی (یک سال مالی) به قوت خود باقی بوده قسمتی از اعتبارات سال آتی به منظور تمدید اعتبارات پرداخت نشده نگهداری شود. مزیت چنین شیوه‌ای امکان برنامه‌ریزی برای مجریان طرحها برای بهره‌گیری بهتر از این اعتبارات و جلوگیری از ضایع شدن حق متقاضیانی است که فاقد بدهی بوده و یا در سالهای قبل از این تسهیلات استفاده نموده‌اند.

- از مواد ۱۱ و ۱۲ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۵ چنین استنباط می‌گردد که قانونگذار اعطای این تسهیلات را برای اشخاص حقوقی (شرکتها و اتحادیه‌ها) در ماده ۱۱ و اشخاص حقیقی (اعضاء تعاونیها) در ماده ۱۲ در نظر داشته که شخص حقوقی به عنوان نماینده اشخاص حقیقی می‌تواند از این تسهیلات برخوردار شود، اما در اجرا از سوی بانک عامل یکی از این مواد را برای مجریان به کار گرفته و در نتیجه سقف تسهیلات به حدی تنزل پیدا می‌کند که کارساز نمی‌گردد.

- با توجه به اینکه اغلب تعاونیهای صیادی و اتحادیه که تحت نظارت وزارت تعاون قرار دارند و از این وزارتخانه درخواست گرفتن تسهیلات دارند لازم است سهم جداگانه‌ای برای این گروه از تعاونیها نیز منظور و به وزارت تعاون تخصیص داده شود.

- با در نظر گرفتن اینکه سهم در خور توجهی از این تسهیلات به وزارت تعاون اختصاص دارد بهتر است این وزارتخانه نیز از ارکان تدوین و تنظیم آئین‌نامه اجرایی تبصره ۴ قانون بودجه پیش‌بینی شود تا امکان تحقق شرایط تعیین شده ضمن توجه به تجارب اجرایی فراهم شود.

- به دلیل الزام تعیین شده در ماده ۱۵ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۵ به عنوان مسئولیت دستگاه ذیربط در بازپرداخت و وصول تسهیلات اعطایی لازم است وزارت تعاون نیز به عنوان یکی از دستگاههای اجرایی این تبصره به ماده ۳ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۴ قانون بودجه ۱۳۷۵ افزوده شود.

- همچنین لازم است برای ارائه خدمات و تسهیلات مالی به ۵۳۰۰ شرکت و اتحادیه تعاونی که قریب ۲۵۰ هزار نفر را در بخشهای کشاورزی و صنایع دستی و فرش تحت نظارت دارد و حدود ۷۰۰ شرکت یا اتحادیه همه ساله به ارقام مذکور افزوده می‌شود در میزان اعتبارات تخصیصی تجدیدنظر شود.

یادآوری این نکته لازم است که از مجموع ۵۶/۵ میلیارد ریال اعتبارات تبصره ۴ قانون بودجه سال ۷۴ (سهم وزارت تعاون) مبلغ ۴۷/۳ میلیارد ریال و به عبارت دیگر ۸۳/۷٪ کل اعتبار مذکور به تصویب رسیده است. ضمن اینکه بخشی از اعتبارات باقیمانده به عنوان مهلت قائل شده برای بازپرداخت تسهیلات دریافتی سال قبل که به دلیل مشکلات بازار امکان بازپرداخت آنها میسر نشده از سوی بانک عامل تمدید گردیده که با این احتساب ۱۰۰ درصد اعتبار تخصیصی به وزارت تعاون جذب گردیده است.

جدول شماره (۳) مبین اطلاعات مذکور می‌باشد.

پیشنهادات:

- اگر چه اهداف اجرایی این تبصره بعنوان سرمایه در گردش در کوتاه مدت رفع مشکلات مالی مجریان طرحها را در نظر دارد. در عمل به دلیل محدودیت میزان اعتبارات تعیین شده رافع مشکل نبوده زیرا میزان تسهیلات اعطایی متناسبی با شرایط اقتصادی حاکم در جامعه ندارد. از این جهت لزوم تجدیدنظر در مواد ۱۱ و ۱۲ آئین‌نامه اجرایی تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۷۵ همانند سالهای قبل پیشنهاد می‌گردد.

- با توجه به اینکه تجارب سالهای گذشته نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد تسهیلات اعتباری تبصره ۴ در ماههای پایانی سال به تصویب

گزارش تحلیلی رویکردهای وزارت تعاون

از سهم اعتبارات تبصره ۵۰ قانون بودجه سال ۱۳۷۴

مقدمه

بر اساس مفاد تبصره ۵۰ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ و آئین‌نامه اجرایی آن، مصوب جلسه ۷۴/۴/۱۹ شورای اقتصاد از مجموع ۱۲۰۰ میلیارد ریال تسهیلات تبصره فوق، مبلغ ۱۳۷ میلیارد ریال (معادل ۱۱/۴٪) به بخش تعاون اختصاص داده شده که نسبت به سال ۷۳ سهم بخش تعاون معادل ۳۱/۵٪ و ام درخواستی طرحهای مذکور بالغ بر ۳۹۰ میلیارد ریال بوده که در نهایت تعداد ۱۶۴ طرح از طرحهای مذکور بالغ بر ۱۰۱/۵ میلیارد ریال به تصویب بانکهای عامل رسیده است. بر اساس آخرین آمار و گزارشات تهیه شده در خصوص تبصره ۵۰ قانون بودجه سال ۷۴، تعداد ۴۸۸ طرح متقاضی دریافت تسهیلات از محل تبصره فوق بوده‌اند و میزان بالاترین میزان اعتبار تصویبی مربوط به بخش صنایع سبک با ۳۲ طرح و اعتباری بالغ

عملکرد تبصره ۵۰ سال ۷۴

(ارقام به میلیون ریال)

ردیف	نام استان	وام درخواستی	تعداد طرح متقاضی	تعداد طرح مصوب	وام تصویبی	درصد وام تصویبی به کل وام تصویب شده	درصد وام درخواستی به وام درخواستی استان
۱	مرکزی	۱۷۰۲۹/۳۹۷	۱۸	۲	۱۱۰۰	۱/۱	۶/۴
۲	گیلان	۴۰۳۳	۱۲	۳	۱۰۶۵	۱/۱	۲۶/۴
۳	مازندران	۱۹۵۷۵	۲۹	۶	۷۱۶۵	۷/۱	۳۶/۶
۴	آذربایجان شرقی	۷۶۹۶	۱۴	۳	۱۵۳۰	۱/۵	۱۹/۹
۵	آذربایجان غربی	۱۸۲۴۹/۹	۲۰	۴	۳۶۷۸	۳/۶	۲۰/۱
۶	کرمانشاه	۲۱۴۶/۶	۳	۲	۴۹۶/۷	۰/۵	۲۳/۱
۷	خوزستان	۱۶۳۰۵/۲	۱۹	۱۰	۴۷۰۰	۴/۶	۲۸/۸
۸	فارس	۲۷۳۰۹/۶	۳۱	۱۳	۸۴۵۹/۶	۸/۳	۳۱
۹	کرمان	۲۶۰۵۰	۲۹	۳	۱۱۲۷	۱/۱	۴/۳
۱۰	خراسان	۳۷۶۲۶/۵۰۶	۳۹	۱۷	۱۰۸۷۰	۱۰/۷	۲۸/۹
۱۱	اصفهان	۱۰۲۷۱/۸۱	۲۱	۶	۲۵۷۰	۲/۵	۲۵
۱۲	سیستان و بلوچستان	۶۵۳۵	۲۳	۸	۲۵۴۹	۲/۵	۳۹
۱۳	کردستان	۳۹۱۳۶/۸	۳۱	۵	۴۴۶۷	۴/۴	۱۱/۴
۱۴	همدان	۲۶۲۱۰	۱۶	۳	۱۶۰۹/۳۷۲	۱/۶	۶/۱
۱۵	چهارمحال و بختیاری	۹۱۳۶/۳۹	۱۲	۰	۰	۰	۰
۱۶	لرستان	۱۵۲۵۰/۷۵۲	۴۰	۱۲	۴۰۹۷/۵	۴/۱	۲۶/۸
۱۷	ایلام	۰	۰	۲	۳۹۴/۲	۰/۴	۰
۱۸	کهگیلویه و بویراحمد	۰	۰	۱	۱۸۰	۰/۲	۰
۱۹	بوشهر	۱۰۵۸۷	۱۹	۴	۱۹۶۰	۱/۹	۱۸/۵
۲۰	زنجان	۵۸۰	۲	۱	۴۰۰	۰/۴	۶۸/۹
۲۱	سمنان	۱۳۴۱۰	۲۲	۱۰	۳۵۷۹	۳/۵	۲۶/۶
۲۲	یزد	۲۰۳۴۷	۲۳	۱۰	۵۱۰۷/۱۱۲	۵/۱	۲۵/۱
۲۳	هرمزگان	۰	۰	۷	۳۰۹۲	۳	۰
۲۴	تهران	۵۲۹۹۰	۶۰	۲۷	۲۱۹۵۴/۶۶۵	۲۱/۶	۴۱/۴
۲۵	اردبیل	۱۰۳۰۰	۵	۵	۹۳۴۲	۹/۲	۹۰/۷
	جمع	۳۹۰۸۲۶/۱۵۵	۴۸۸	۱۶۴	۱۰۱۴۹۳/۱۴۹	۱۰۰	۲۶

(ارقام به میلیون ریال)

ردیف	نام بانک عامل	تعداد طرح متقاضی	تعداد طرح تصویبی	مبلغ کل تصویبی	درصد به کل تصویبی
۱	تجارت	۲۳	۱۰	۱۲۵۲۲	۱۲/۳
۲	ملی	۱۳۹	۲۵	۳۰۲۶۲/۶۱۲	۳۰
۳	ملت	۸۵	۲۱	۲۳۲۰۸/۳۳۷	۲۲/۹
۴	سپه	۶۳	۹	۲۹۳۶	۲/۹
۵	صادرات	۴۰	۲۳	۱۰۹۵۷/۱	۱۰/۸
۶	کشاورزی	۱۲۰	۳۶	۲۱۳۸۳	۲۱/۱
۷	رفاه کارگران	۷	۰	۰	۰
	جمع کل	۲۸۸	۱۶۲	۱۰۱۳۹۳/۱۳۹	۱۰۰

بیشترین طرح متقاضی در بین بانکهای عامل تبصره بوده و بانک رفاه کارگران با ۷ طرح کمترین تعداد طرح متقاضی را داشته است.

۲- میزان وام درخواستی

میزان وام درخواستی بالغ بر ۳۹۰ میلیارد ریال می باشد.
بالاترین میزان اعتبار درخواستی مربوط به

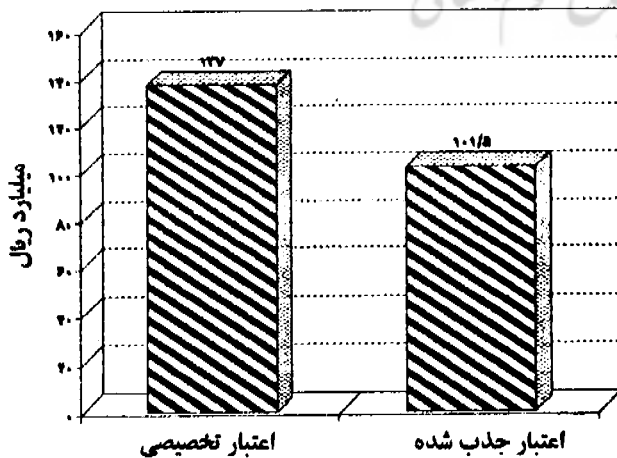
بر ۲۲ میلیارد ریال می باشد و بالاترین تعداد طرح مصوب مربوط به بخش کشاورزی با ۵۳ طرح و رقم ۱۹/۹ میلیارد ریال می باشد.
بیشترین تعداد طرح و اعتبار مصوب در بین استانها مربوط به استان تهران با تعداد ۲۷ طرح و رقم ۲۱/۹ میلیارد ریال می باشد.
بانک ملی با ۴۵ طرح و اعتبار تصویبی ۳۰/۵ میلیارد ریال در بین سایر بانکهای عامل تبصره ۵۰ بالاترین عملکرد را داشته است.

۱- طرحهای متقاضی

در سال ۱۳۷۴ تعداد ۴۸۸ طرح تعاونی از طریق وزارت تعاون و ادارات کل تابعه در استانها به بانکهای عامل این تبصره معرفی گردیده اند. بالاترین تعداد طرحهای متقاضی وام مربوط به بخشهای کشاورزی و آب با ۱۵۵ طرح، صنایع سبک با ۱۰۸ طرح، خدمات بازرگانی با ۷۶ طرح و بخش فرهنگی با سه طرح کمترین تقاضا را داشته اند. همچنین بالاترین تعداد طرح متقاضی به ترتیب به استانهای تهران با ۶۰ طرح، لرستان با ۴۰ طرح و خراسان ۳۹ طرح اختصاص دارد و استانهای ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان بدون طرح در پایین ترین رده قرار گرفته است. بانک ملی با ۱۳۹ طرح پذیرای



نمودار اعتبار تخصیصی به اعتبار جذب شده



از بانکهای عامل از مجموع ۴۸۸ طرح
متقاضی وام، تعداد ۱۶۴ طرح به تصویب
بانکهای عامل رسیده‌اند.

بیشترین تعداد طرحهای مصوب مربوط به
استانهای تهران، خراسان و فارس، با ۲۷، ۱۷
و ۱۳ طرح می‌باشد و استان چهارمحال و
بختیاری علی‌رغم ارسال ۱۲ طرح به بانکهای
عامل هیچ مصوبه‌ای از طرف بانکهای عامل
دریافت ننموده است.

بررسی طرحهای مصوب در بخشهای
مختلف گویای این مطلب است که ۵۳ طرح
از ۱۶۴ طرح مصوب در بخش کشاورزی
می‌باشد و بخش صنایع سبک با رقم ۲۲
میلیارد ریال (معادل ۲۱/۷٪ از کل اعتبار
تصویب شده) بالاترین میزان اعتبار تصویبی را
به خود اختصاص داده است.

۳-۱ اعتبارات مصوب

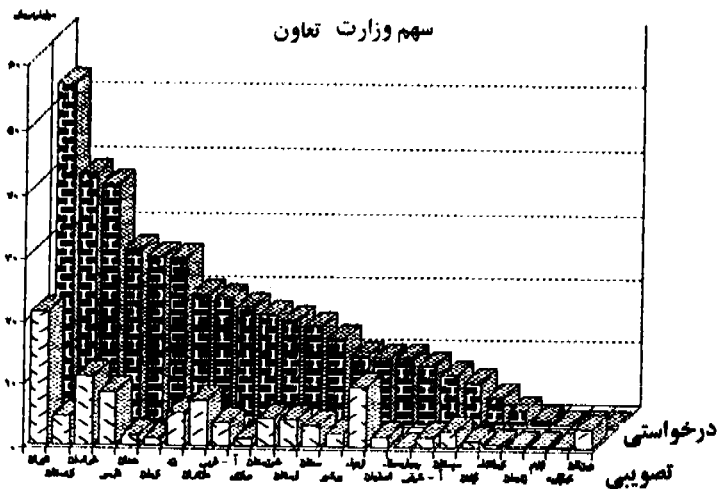
از مجموع ۳۹۰ میلیارد ریال اعتبار
درخواستی مبلغ ۱۰۱/۵ میلیارد ریال به
تصویب رسیده است که این مبلغ ۲۶٪ اعتبار
درخواستی می‌باشد.

بالاترین میزان وام تصویب شده به وام
درخواستی استان به ترتیب به استانهای اردبیل
با ۸۹/۷٪، زنجان با ۶۸/۹٪ و سیستان و
بلوچستان با ۳۹٪ اختصاص دارد.

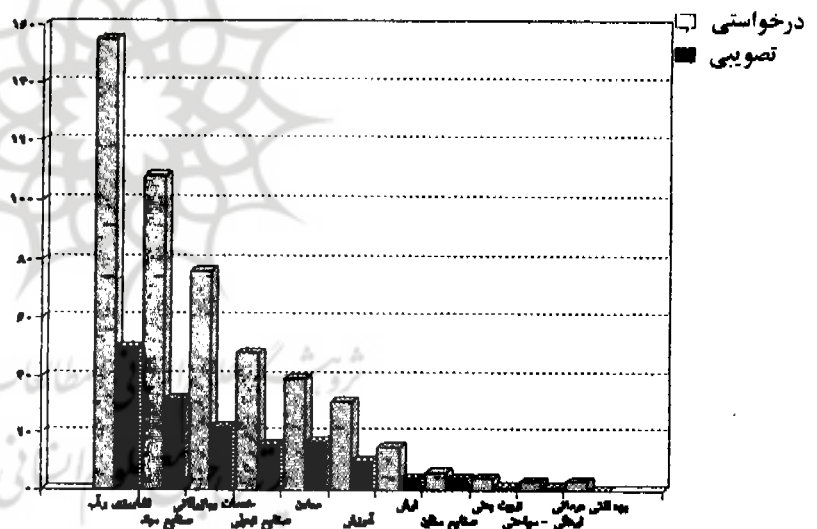
بیشترین درصد وام تصویبی استان به کل
وام تصویب شده را استانهای تهران با
۲۱/۵٪، خراسان با ۱۱/۴٪ و اردبیل با
۹/۳٪ به خود اختصاص داده‌اند.

از مجموع ۱۰۱/۵ میلیارد ریال اعتبار
مصوب طرحها، بخش صنایع سبک با ۲۲
میلیارد ریال و بخش کشاورزی با ۱۹/۹

نمودار توزیع استانی تعداد طرحهای درخواستی و تصویبی تعاونیهای متقاضی استفاده از
تسهیلات اعتباری تبصره ۵۰ قانون بودجه سال ۱۳۷۴



نمودار تعداد طرحهای درخواستی و تصویبی مربوط به تبصره ۵۰ سهم وزارت تعاون
در بخشهای مختلف اقتصادی



۵۲/۹، ۳۹/۱ و ۳۷/۶ میلیارد ریال و
پایین‌ترین میزان وام درخواستی مربوط به
استانهای ایلام، کهگیلویه و بویراحمد و
هرمزگان بدون وام درخواستی می‌باشد.

۳- طرحهای مصوب

براساس آخرین آمار و گزارشات واصله

بخشهای صنایع سبک، کشاورزی و آب و
خدمات بازرگانی با ۱۲۳/۱، ۸۸/۶،
۷۱/۲ میلیارد ریال و کمترین میزان اعتبار
درخواستی مربوط به طرحهای فرهنگی
سیاحتی با ۲/۴ میلیارد ریال بوده است.

بالاترین میزان وام درخواستی در استانهای
تهران، کردستان و خراسان به ترتیب با

پرسش و پاسخ حقوقی

رئیس هیات مدیره
از: سید اسماعیل یوسف صفوی

قانون بخش تعاونی به دو نوع کلی منطبق با عناوین یاد شده می‌باشد و انواع فرعی متعددی از تعاونیهای توزیعی برحسب آنکه نیاز مصرف‌کنندگان یا تولیدکنندگان عضو خود را تامین می‌کنند، با حفظ نام و عنوان خاص خود، در زیر مجموعه یکی از دو نوع اساسنامه‌های تنظیمی برای تعاونیهای توزیعی قرار می‌گیرند.

منباب مثال شرکتهای تعاونی تهیه و توزیع اصناف گوناگون، یا تعاونیهای مصرف کارگران واحدهای مختلف تابع قانون کار، تعاونیهای مصرف کارمندان موسسات دولتی، فرهنگیان و محلات واقع در بخش‌ها، شهرها و شهرستانهای سراسر کشور می‌بایست با حفظ و قید نام خاص خود در عنوان و ماده یک اساسنامه از نمونه اساسنامه تامین‌کننده نیاز مصرف‌کنندگان استفاده کنند. صاحبان صنایع و مشاغل و صنوف تولیدکننده نیز در تصویب اساسنامه جدید ضمن حفظ نام خود از نمونه اساسنامه تامین‌کننده نیاز تولیدکنندگان استفاده خواهند نمود زیرا کاربرد عنوان کلی تامین‌کننده نیاز مصرف‌کنندگان یا تولیدکنندگان در نام تعاونی، مانع از شناسایی انواع فرعی تعاونیهای توزیعی از یکدیگر شده و اساساً انتخاب عنوان کلی مزبور در نام شرکتهای تعاونی علاوه بر اشکالات ناشی از تشابه اسمی، قابل ثبت در اداره ثبت شرکتهای نیز نمی‌باشد.

برای تصویب اساسنامه جدید با توجه به اینکه (جز هنگام تشکیل شرکت تعاونی) انجام این مورد در صلاحیت مجامع عمومی فوق‌العاده تعاونیهاست لذا مدیران هر تعاونی ابتداء پیش‌نویس اساسنامه را مطابق با نمونه اساسنامه چاپ سال ۱۳۷۳ و نوع خاص

گزارشهایی از واحدهای تابعه وزارت تعاون و مدیران تعاونیها دایر بر بروز مشکلات ناشی از نحوه اجرای پاره‌ای از مواد نمونه اساسنامه‌های چاپ اول در شرکتهای تعاونی، تهیه و تنظیم گردید و هدف از آن رفع مشکلات و تسهیل فعالیت تعاونیها خصوصاً به هنگام برگزاری مجامع عمومی و رفع محدودیت در مورد تعداد و کالنامه‌های قابل ارائه به مجامع عمومی و موارد دیگر بوده است و لذا توصیه می‌شود مدیران شرکتهای تعاونی با تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده، تصویب اساسنامه جدید را مطابق با نمونه چاپ سال ۷۳ در دستور جلسه مجمع قرار دهند. در عین حال باید توجه داشت عناوینی که برای دو نمونه اساسنامه «شرکتهای تعاونی تامین‌کننده نیاز مصرف‌کنندگان» و «شرکتهای تعاونی تامین‌کننده نیاز تولیدکنندگان» انتخاب شده، ناشی از تقسیم شرکتهای تعاونی توزیعی در

آقای حسن حجتی سعیدی عضو هیات مدیره شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان شهرستان لاهیجان با ابراز خشنودی از تجدید طرح مباحث حقوقی مرتبط با بخش تعاونی در مجله، به ذکر مسائلی که در تعاونیهای دیگر نیز مطرح است، پرداخته و خواستار پاسخ آنها شده‌اند. ضمن تشکر از عنایت ایشان و توجه سایر مدیران و اعضای تعاونیها که با طرح سوال، اظهار نظر و یا ارائه رهنمودهای خویش، به امکان تحقیق و بررسی دقیقتر در مقررات موضوعه تعاونی و پرداختن به آنها در این بخش از مجله کمک نموده و موجبات افزایش آگاهی مسئولان، بازرسان و اعضای تعاونیها و مآلاً زمینه اصلاح عملکرد حقوقی شرکتهای و اتحادیه‌های تعاونی را فراهم می‌کنند، بدین وسیله نظر خوانندگان ارجمند را به سوالهای واصله و پاسخ آنها معطوف می‌دارد:

پرسش: برای انطباق اساسنامه شرکتهای تعاونی مصرف با نمونه اساسنامه شرکتهای تعاونی تامین‌کننده نیاز مصرف‌کنندگان چاپ سال ۱۳۷۳ وزارت تعاون چگونه می‌توان اقدام کرد و اصولاً علت تغییر نمونه اساسنامه‌های چاپ سال ۱۳۷۱ چه بوده است؟

پاسخ: بدواً خاطر نشان می‌سازد که نمونه اساسنامه‌های چاپ سال ۱۳۷۳ پس از دریافت





قرار گرفته و مطابق با مصوبه مجمع عمل شود. البته هر سال وزارت تعاون با بررسی وضعیت اقتصادی تعاونیه‌های مصرف و کاهش ارزش پول، حداقل وجوهی را که هر یک از اعضا در جهت ادامه فعالیت شرکتهای تعاونی مصرف، لازم است در قالب خرید سهام به منظور افزایش امکانات مالی تعاونی و مقابله با تورم و بهره‌گیری از کالاهای اساسی و لوازم خانگی پرداخت نمایند، تعیین و به ادارات کل تعاون جهت ابلاغ به تعاونیه‌های مصرف اعلام می‌نماید.

پرسش: در ماده ۶۴ نمونه اساسنامه‌ها که به نحوه تقسیم سودخالص سالانه هر تعاونی اختصاص دارد، اشاره‌ای به تقسیم مازاد برگشتی نشده است و حال آنکه به نظر می‌رسد این مورد با موازین قانونی و اصول تعاون مغایرت دارد. لطفاً علت آنرا توضیح دهید.

پاسخ: گرچه تقسیم مازاد برگشتی بین اعضا به تناسب حجم معاملات آنها در تعاونیه‌های توزیعی و میزان کار انجام شده توسط اعضا در تعاونیه‌های تولیدی یکی از اصول مهم و بین‌المللی تعاون است متأسفانه در قانون بخش تعاونی مورد تصریح قرار نگرفته و چون از گذشته تا به حال تعداد بسیار محدودی از تعاونیه‌ها توانسته‌اند با محاسبه میزان خرید اعضا در تعاونیه‌های مصرف که نیاز به وقت و پرسنل قابل توجهی دارد. اقدام به پرداخت مازاد برگشتی نمایند لذا در اساسنامه نمونه نیز تقسیم باقیمانده سودخالص سالانه به تناسب میزان سهام اعضا قید گردیده ولی به هنگام تصویب اساسنامه جدید وضع مازاد برگشتی و ذکر آن در اساسنامه بلامانع است.

اعضاء را در محدوده حداقل و حداکثری که وزارت تعاون به موجب آئین‌نامه مقرر می‌دارد، تصویب کنند. از طرفی مطابق با آئین‌نامه مواد ۶ و ۲۰ قانون بخش تعاونی مصوب وزارت تعاون مجامع عمومی شرکتهای تعاونی می‌توانند تعداد سهام اعضا را در حدی که تعداد سهام هیچ عضوی از یک هفتم کل سرمایه شرکت تجاوز ننماید، تعیین و تصویب کنند.

در توضیح مطلب بالا متذکر می‌شود که چون در تامین سرمایه هر شرکت تعاونی مجموع وجه سهام و یا آورده‌های غیر نقدی اعضا واجد اهمیت است و تعیین تعداد سهام، بدون در نظر گرفتن مبلغ هر سهم که در اساسنامه و با تصویب اعضا مشخص می‌شود، الزاماً نمی‌تواند در تامین سرمایه مورد نیاز موثر باشد و مضافاً تعداد اعضا و وجه حاصل از سهام خریداری آنها چه در تعاونیه‌های مصرف یا انواع دیگر تعاونیه‌ها قبل از تشکیل تعاونی مشخص نمی‌باشد بنابراین احاله تعیین تعداد سهام اعضا هر تعاونی به مجمع عمومی عادی آن شیوه‌ای صحیح و اصولی است که در آئین‌نامه مصوب وزارت تعاون مقرر گردیده و علی‌الاصول می‌بایست در مجمع عمومی عادی هر شرکت تعاونی، تعداد سهامی که اعضا می‌توانند اتباع کنند مورد تصویب

تعاونی خود، که ملازمه با بررسی دقیق موضوع و حدود عملیات مقرر در ماده ۳ نمونه اساسنامه‌ها (که برای انواع فرعی متعددی از تعاونیه‌ها به طور یکسان تنظیم شده) و حذف مورد یا موارد نامناسب یا زائد آن دارد، تهیه نموده و با تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده به ترتیبی که در اساسنامه تعیین شده است و توضیح ضرورت تصویب اساسنامه جدید در جلسه رسمی مجمع متشکله، تصویب آنرا از اعضای حاضر در جلسه درخواست می‌کنند. چون حدنصاب لازم برای تصویب اساسنامه، آراء موافق لااقل سه چهارم اعضای حاضر در جلسه است، تصریح بر حصول این حدنصاب در صورت جلسه مجمع، مانع از تردید در تصویب یا عدم تصویب اساسنامه توسط مجمع عمومی فوق‌العاده در ادارات کل تعاون استانها می‌گردد. برای سهولت کار پیشنهاد می‌شود موضوع تصویب اساسنامه در صورت جلسه مجمع با عبارت زیر قید گردد:

«اساسنامه جدید شرکت مشتمل بر... ماده و... تبصره در جلسه قرائت و با رأی موافق سه چهارم (یا بیش از سه چهارم) اعضای حاضر در جلسه به تصویب رسید و نسخه‌ای از آن به امضای رئیس و منشی مجمع ضمیمه این صورت جلسه است.»

پرسش: در آئین‌نامه مصوب وزارت تعاون، حداقل و حداکثر سهام اعضای تعاونیه‌های مصرف چه تعدادی تعیین شده است؟

پاسخ: در قانون بخش تعاونی ضمن آنکه سهم اعضا در تامین سرمایه همه انواع تعاونیه‌ها مساوی تعیین گردیده، به مجامع عمومی عادی اجازه داده شده که اختلاف سهام

چند پرسش یک دیدگاه

گفتگو با دکتر مرتضی فرهادی مولف کتاب فرهنگ یاریگری در ایران

اشاره:

آقای دکتر مرتضی فرهادی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و یکی از نویسندگان و پژوهشگران علوم اجتماعی و مباحث تعاونی است. وی در سال ۱۳۷۳ کتابی را تحت عنوان فرهنگ یاریگری در ایران تالیف نمود. که توسط مرکز نشر دانشگاهی به زیور طبع درآمد. این کتاب که جلد دوم و سوم آن بوسیله مولف در دست تهیه می‌باشد. در سال ۱۳۷۴ در نهمین جشنواره جهاد روستا به عنوان کتاب اول جشنواره انتخاب شد و در سیزدهمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نیز در زمره کتب برگزیده حوزه علوم اجتماعی معرفی گردید.

دکتر فرهادی تحصیلات خود را در رشته کارشناسی روانشناسی و کارشناسی ارشد ارتباطات اجتماعی و دکترای جامعه‌شناسی به پایان رسانده و تاکنون پنج اثر از وی تحت عناوین: «در فصلهای خنده دشوار»، «مجموعه شعر»، «اهمیت و پیشینه کبوترخانه‌ها در ایران»، «به دو زبان»، «کتابنامه کمره»، «در دو جلد با نامهای جغرافیا و جغرافیای تاریخی و معناشناسی نام جایجا و چند برش در فرهنگ کشاورزی و دامداری منطقه کمره شهرستان خمین»، منتشر شده است. از وی همچنین بیش از هفتاد مقاله در مطبوعات به چاپ رسیده است.

با توجه به اهمیت موضوع کتاب فرهنگ یاریگری در ایران و نیز پردازش مناسب این کتاب بر آن شدیم تا از نظرات نگارنده در باره کتاب و پیشینه و ساختار فرهنگی مباحث تعاونی در کشور جویا شویم. آنچه در پی می‌آید ماحصل گفتگو با ایشان است:

ج: این نکته‌ای را که شما اشاره فرمودید یعنی رابطه فرهنگ و تعاون از چند نظر مسئله مهمی است. از نظر تئوریک متأسفانه یک چنین القایی شده است که ایرانیان دارای روحیه تکروی بوده و از فرهنگ مشارکتی بدورند، اما اینجانب در فصلی از کتاب فرهنگ یاریگری دقیقاً به ریشه‌های این طرز تفکر و نظریه‌پردازان آن توجه کرده و دلایل اظهار چنین نظریاتی را باز شکافته است. اینجانب حتی در دوران دانشجویی کارشناسی یعنی از حدود سی سال پیش نیز بین تجربیات خود در روستا و شهرستانهای کوچک و آنچه که در کلاسهای مباحث تعاونی در این زمینه عنوان می‌شد تفاوتی آشکار می‌دید. کار ۲۵ ساله‌ام درباره یاریگریهای سنتی در ایران که در حدود ۴ الی ۵ جلد کتاب خواهد شد، نشان

توصیف به تعریف و طبقه‌بندی و احیاناً تبیین علمی بکشائیم، اما به جز این ممکن است که نو بودن کار نیز در توجه جامعه به این کار بی‌تأثیر نباشد، چراکه در واقع جامعه از کارهای «نارد و ناشکن» (بقول عشایر و روستاییان استان کرمان) استقبال می‌کند. (این اصطلاح را عشایر برای برف یا آبی که انسان یارمه‌ای بر آن نگذاشته باشد بکار می‌برند). خود من تصور نمی‌کردم زیرا که اولاً اینگونه از نوشتارها مخاطبین تقریباً کمی دارد و ثانیاً بخاطر بهای تقریباً بالای آن مورد توجه خوانندگان قرار گیرد، اما با تعجب دیدم که در عرض یکسال و نیم غالب نسخه‌های آن به فروش رسید.

س: به نظر شما که محقق در زمینه مردم‌شناسی هستید، رابطه فرهنگ و تعاون در کشورمان چگونه است؟

س: خبر توفیق کتاب فرهنگ یاریگری که جنابعالی نویسنده آن هستید در سال گذشته در محافل فرهنگی و علمی انعکاس مناسبی یافت به نظر خودتان چه علتی مایه توفیق آن بوده است؟

ج: قاعدتاً دلایل توفیق باید توسط منتقدین نقل بشود ولی به عنوان یک فرضیه شاید یکی از دلایل کار، رویکرد روشنفکران جامعه ما به مسائل بومی مملکت باشد و احتمالاً این مسئله روشن باشد که راه حلها و نسخه‌های غیریومی راهگشای مشکلات ما و حلال معضلات ما نخواهد بود. از دلایل دیگر، فرهنگ مشارکتی و ده هزار ساله کشاورزی ایران است که در واقع با کاوش در عمق این فرهنگ می‌شود آنرا پیدا کرد و مسئله دیگر اینکه توانستیم مسئله را از حد

می‌دهد که احياناً روحیه وارداتی فردگرایانه از برخی از روشنفکران ایرانی به کل جامعه سنتی ایران فرافکنی شده است. یعنی، فقط برای مثال کافی است بگوئیم - طبق برآوردهایی که اینجانب از مقطع سال ۱۳۳۵ دارم و در جلد دوم و سوم فرهنگ یاریگری خواهد آمد - دو میلیون از نه میلیون زن ایرانی در تعاونیهای زنانه تولیدی دامداری به نام «واره» یا «شیرواره» با ۱۳۰ نام مختلف در مناطق گوناگون ایران عضو بوده‌اند و با احتساب حداقل هر خانواده پنج نفر می‌توان گفت که در این مقطع در حدود ۱۰ میلیون از ۱۸ میلیون کل جمعیت ایران در آن سالها زیر پوشش تعاونیهای «واره» قرار داشته‌اند و جالب اینکه این دو میلیون عضو که غالباً بی‌سواد بوده‌اند حتی از هیچگونه ارشادات، هدایتها و حمایتی دولتی برخوردار نبوده‌اند.

س: آیا به نظر شما این کتاب دستاوردهای مورد نظرتان را داشته است؟ چرا و چگونه؟

لطفاً برای خوانندگان مجله ما بفرمایید که هدف کلی شما از تالیف کتاب چه بوده است؟ ج: روانشناسی این مسئله که یک نویسنده چگونه از میان هزاران موضوع فرهنگی ممکن است، دست به گزینش یک یا چند موضوع بزند مشکل است اما احتمالاً از آنجا که به قول کارل پوپر: تحقیق با مشاهده شروع نمی‌شود، بلکه با وجود یک ناسامانی در ذهن آغاز می‌شود، همانطور که قبلاً اشاره شد در دوران تحصیلات کارشناسی نگارنده به مسائلی برخورد که با مشاهدات وی در تضاد کامل قرار داشت، این تضاد بین واقعیت و تئوری ممکن است یکی از عوامل گرایش اینجانب به این سوی بوده است. طبیعتاً و بی‌شک، دلایل پنهان بیشتری نیز در این زمینه وجود داشته است که انگیزه‌های لازم را برای چنین کار درازمدتی فراهم ساخته است که متأسفانه نویسنده به همگی آنها آگاهی ندارد. اما، اصولاً کار بر روی گروهها و سازمانهای

یاریگر سنتی نه تنها در ایران بلکه در غالب کشورهای جهان بسیار کم انجام شده است. و این مسئله به خاستگاه علوم اجتماعی یعنی غرب و نظام فردگرایانه و سرمایه‌داری آن برمی‌گردد و همچنین به تاثیرات دارونیسیم در حوزه علوم اجتماعی و فرضیات زمینه‌ای دانشمندان غرب در برخورد با مسئله همکاری، چرا که از این دیدگاهها آنچه که در جامعه اصل می‌باشد، سبقت‌جویی، رقابت، ستیزه و جنگ است و نه همکاری. بنابر این در آنجا اصل تعمیم نابجای «اصل تضاد انواع» در جامعه انسانی است و به همین دلیل نیز هست که می‌بینیم در دائرةالمعارفهای علوم اجتماعی و در بیش از سی حوزه جامعه‌شناسی که در آن به حوزه‌هایی نظیر جامعه‌شناسی فراغت، جامعه‌شناسی ورزش و غیره... می‌پردازد، (جامعه‌شناسی جنگ که جای خود را دارد) حتی با نام جامعه‌شناسی تعاون نیز برخورد نمی‌کنیم. لذا به نظر می‌رسید که فتح‌بابی



ملایر، «توجه‌گان»: همیاری در بیل زدن زمین.

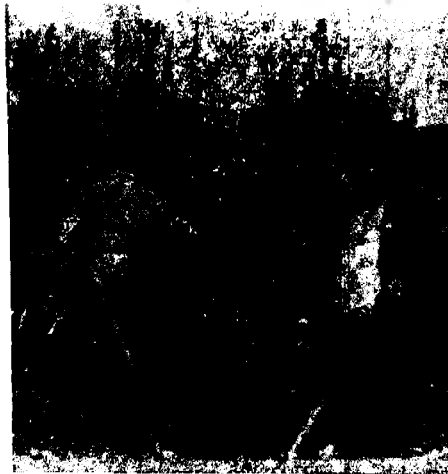
درباره مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون از جانب جامعه کهنسال و دیرپای ایران و یا به عنوان یکی از کهنسال‌ترین کشورهای مشرق زمین لازم باشد، تا بتواند تعادلی را چه در نگرش به جامعه خود و همچنین جامعه جهانی در این زمینه خاص ایجاد کند و نشان دهد که برخلاف تصور غالب، اما پنهان و اظهار نشده جامعه‌شناسان، در جامعه انسانی قاعده همکاری و جنگ استثناء است، و نه برعکس. یعنی رفاقت و همکاری اصل است نه رقابت و ستیز. اما دستاورد تئوریک و ملموس‌تر این کتاب رد نظریه فردگرایانه روستایان ایران به طور اخص و ایرانیان به طور اعم می‌باشد و ثبت و ضبط چنین تجربیات فراگیری برای نسل‌های آینده ما یکی از دستاوردهای مهم دیگر این کتاب که در سطح تئوریک دارای اهمیت فراوان می‌باشد، دانستن این مسئله است که ما در جامعه و روابطمان بطور ماهیتی نه زمینه‌ای یک نوع همکاری نداریم بلکه همکاری را انواعی است که ماهیتاً از یکدیگر متفاوت می‌باشند. متأسفانه در ادبیات تعاونی ایران غالباً مفاهیمی نظیر خودیاری و همیاری و دگریاری یکسان و مترادف دانسته شده‌اند و یا اینکه بین گروه‌های یاریگر و سازمان‌های تعاونی یاریگر سنتی خلط مبحث بوجود آمده است. ما در این کتاب کوشیده‌ایم که این انواع ماهیتاً متفاوت را از یکدیگر شناسایی و تعریف و تحدید کنیم. شناخت ماهیتی انواع یاریگری، علاوه بر فوائد تئوریک خود از نظر کاربردی این فایده را برای سازمانها و دستگاه‌های درگیر با مسئله تعاون و مشارکت دارد که با شناسایی بهتر این انواع از یکدیگر بسته به نوع یاریگری بتواند از مکانیزم‌های خاص برای برانگیختن و ارشاد و ایجاد انگیزش برای یاریگران سود بجویند. چرا که هدف‌های هر نوع از این یاریگری‌ها با

یکدیگر متفاوت بوده و در نتیجه افراد با انگیزه‌های مختلف به سوی هر نوع از این یاریگری‌ها کشیده می‌شوند. توضیح آنکه، بالفرض اگر بخواهیم مردم را برای نوعی دگریاری مانند کمک به سیزدگان و زلزله‌زدگان بسیج کنیم نوع تبلیغات و سازمان‌دهی ما طبیعتاً با موقعی که می‌خواهیم مردم را در یک سازمان خودیار مانند شرکتهای تعاونی بسیج کنیم متفاوت خواهد بود.

س: چرا شما در عنوان کتاب به جای همکاری و تعاون از واژه یاریگری استفاده کرده‌اید و آیا از نظر شما مصادیق عملی این دو مفهوم با یکدیگر فرق می‌کند؟

ج: واقعیت این است که واژه یاریگری واژه‌ای ساخته شده از طرف اینجانب نیست بلکه این واژه قرن‌ها در ادبیات فارسی وجود داشته است. اما مدتها از حوزه نوشتاری کنار گذاشته شده بود و همین جدا شدن این واژه از زبان نوشتاری، سبب شده بود که ما بتوانیم از آن به عنوان وسیله خوبی استفاده کرده و تمام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



معانی انواع همکاری را به آن ببخشیم و به عبارت دیگر، یاریگری نامی عام شود برای هر نوع همکاری. در حالیکه کلمه همکاری علاوه بر معنی تعاون به معنی هم پیشگی و رقابت نیز در ادبیات ما به کار رفته است. اما ما در طبقه‌بندی خود لفظ تعاون را که در نام شرکتهای تعاونی نیز به کار گرفته شده، به معنای خاصی از همکاری و همکاری گروه‌ها به کار برده‌ایم. یعنی در چاپی که گروه یاریگر به سازمان یاریگر تبدیل می‌شود و دارای ساخت و کارکرد مشخص می‌گردد و استمرار بیشتری می‌یابد، در این معنا ما کلمه تعاونی‌های سنتی را، به حق یا ناحق برای سازمان‌های تعاونی سنتی نظیر «واره» - «بنه» - «مال» به کار برده‌ایم و نه هر نوع همکاری.

س: همانگونه که در کتاب فرهنگ یاریگری نیز آمده است برخی از جامعه‌شناسان در تعریف جامعه آنرا به طور کلی دسته‌ای از مردم می‌دانند که به حال تعاون زندگی می‌کنند. به نظر شما این نظریه تا چه حد از نظر علمی در جامعه ما مصداق دارد؟ همچنین برایمان بفرمائید که در این راستا چگونه می‌توان برای حصول به اهداف متعالی نظام جمهوری اسلامی از حضور گسترده مردم به منظور مشارکت در امر توسعه بهره گرفت؟

ج: جامعه ما در گذشته به خاطر ضرورت‌های بومی خود، ضرورت‌های جغرافیایی خود و همچنین به خاطر ظهور آئین یاریگر خواهانه اسلامی مکانیزم‌های خاص خود را در این زمینه داشته است و اصولاً هر ایرانی مسلمان از «خشت تا خشت» عملاً در مسیر چنین فرهنگی قرار می‌گرفته است، در مدارس و مزارع ما، در روستاها و شهرهای ما کم‌تر کاری اتفاق می‌افتاده است که یک یا چند نوع یاریگری در آن دخالت نداشته باشد. برای



مرتع اسکوش: حمل برف از دره‌های برف‌گیر به محل «برف‌جال».

مثال در همه حوزه‌های تولیدی از کشاورزی و دامداری گرفته تا صنعت مردم جامعه ما ماهیتاً و گاه اجباراً نیازمند همکاری و تعاون بوده‌اند. این امر همواره در حوزه‌های مختلف زندگی و به صورت آشکاری خود را نشان می‌دهد. مثلاً دیگر در آموزش سنتی مکتب‌خانه‌ای ما همکاری بین دانش‌آموزان از سوی و اولیاء دانش‌آموزان یا مکتب‌دار از سوی دیگر کاملاً مشهود بوده است. در مکتب‌خانه‌های قدیمی ما دانش‌آموزان نه تنها مسئول یادگیری دروس خود بوده بلکه مسئول تمام دانش‌آموزان پایین‌تر از خویش نیز بوده‌اند. به طور کلی در گذشته مذهب، خانواده، اقتصاد و تعلیم و تربیت هر کدام می‌کوشیده‌اند به انحاء مختلف لزوم این فرهنگ را آشکار و راههای رسیدن به مشارکت را به اعضاء خود بیاموزند. اما متأسفانه امروز با یورش نامتعادل فرهنگ غرب به فرهنگ بومی ما و همچنین شناخت ناقص ما از این فرهنگ و فراموشی و گسلهایی

که در درک فرهنگ بومی ما اتفاق افتاده است، ما هم از مکانیزمهای فرهنگ بومی‌مان تا اندازه زیادی به دور مانده‌ایم و هم نتوانسته‌ایم تمامیت ارزشهای فرهنگ بیگانه را در پیوند با مسئله تعاون و یاریگری جذب کنیم و در نتیجه از اینجا رانده و از آنجا مانده‌ایم. و به قول خاقانی:
کلاغی تک کبک در گوش کرد

تک خویشتن را فراموش کرد
به عبارت دیگر ما نتوانسته‌ایم بین پایه‌های مشارکتی فرهنگ بومی خود و جوانه‌های تربیت یافته فرهنگ غربی پیوند برنیم، لذا به نظر می‌رسد که به جای آرزوی میوه‌چینی از مزایای تعاون، نخست باید به فکر غرس و ایجاد بنیانهای وجودی و تفکر تعاونی و فرهنگ مشارکتی بود. یعنی آنکه سازمانها و وزارتخانه مرتبط با مسئله و همه سازمانها و دستگاهها می‌بایست نقش آموزشی عظیمی را در این زمینه به عهده بگیرند و بیشتر به مسئله

مشارکت و تعاون به عنوان یک هدف درازمدت اجتماعی نگاه کنند و نه فقط به عنوان ابزارهای موقت اقتصادی. در این راستا به نظر می‌رسد که رسانه‌های گروهی به جای پرداختن مقطعی به مسائلی مثل مناسبتهای هفته نیکوکاری که تنها بخشی از یاریگری (یعنی دگریاری ناهمتر از نه آنهم از نوع فرویاری = یاریگری بالا به پایین) را در بر می‌گیرد و یا با شیوه‌های نه چندان منطقی و مناسب که به جای سوق دادن یاریگری مردمی به شکلی که در درازمدت نیازمندان بتوانند خود بی‌نیاز از یاریگری شوند، (چرا که این امر احتمالاً آنان را وابسته و نیازمندتر و اعتماد به نفس آنها را کمتر می‌نماید)، بلکه باید به تبلیغ فرهنگ مشارکتی در همه ابعاد و سطوح آن به عنوان یک خط‌مشی درازمدت و هدف اخلاقی و انسانی متعالی پردازند. و ثانیاً دو وزارتخانه انسان‌ساز و آینده‌ساز کشور ما یعنی وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و

آموزش عالی باید مسئولیت همه جانبه تر و سنگین تری را در این راه قبول کنند، به طوری که مفهوم تربیت و یا پرورش در حوزه فعالیت آنها پر معنا تر شود، وزارت آموزش و پرورش ما تنها در یک رشته و در یک کتاب مطالبی را درباره تعاون در سالهای گذشته داشته است که متأسفانه آن نیز از متون آن کتاب حذف شده است. در حالی که درس تعاون مانند ادبیات فارسی و یا تاریخ تنها برای یک رشته و یا یک سال و یک مقطع سودمند نیست بلکه هر دانش آموز ایرانی چه به صورت تئوری و چه به صورت عملی و جزء درس اخلاق خود باید با انواع یاریگری در چارچوب وظایف آموزشی خود آشنا گردد. همین وظیفه را به شکل های دیگر وزارت فرهنگ و آموزش عالی باید در آموزش های خود برای رشته های مختلف اعم از مهندسی و غیره دنبال کند و درسهای تعاون و فرهنگ تعاونی تنها زینبده چند دانشکده در سراسر کشور و آنهم در چند گرایش محدود نشود. مهمتر اینکه سازمانها و وزارتخانه های درگیر با مسئله تعاون نیز علاوه بر کار بر روی سازمانهای تعاونی زیر پوشش خود می بایستی به طرق گوناگون مانند تعلیم اعضاء تعاونیها، کارشناسان و کارمندان خویش و یا همکاری با رسانه های گروهی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی نه تنها به خاطر برآوردن اهداف کوتاه مدت اقتصادی، بلکه به خاطر توانمند کردن فرهنگ اسلامی و اخلاقی یاریگری به برنامه ریزهای بلندمدت و غایت جویانه روی آورند.

س: خوب استاد برگردیم به مسئله تعاون و توسعه، به نظر شما ما در کشورمان از رابطه بین تعاون و مشارکت در امر توسعه چگونه بهره می گیریم؟

ج: اگر ما توسعه را متأسفانه آنچنانکه

برخی می پندارند تنها توسعه اقتصادی به نظر نیاوریم، نفس مشارکتی کردن کار خود نوعی توسعه اجتماعی و انسانی است. اما به جز این اگر هدف توسعه ای پایدار حتی بدون حضور اقتصاد متأثر از نفت و یا هرگونه ذخائر معدنی بوده باشد، لازم است که به مسئله مشارکت به عنوان برنامه ای برای توسعه کشور نگریسته شود. زیرا در کشورهای جهان سوم بویژه پس از گذشت چند دهه از تجویز راههای توسعه ای ناکام مانده خصوصاً آنکه اگر بخواهیم این توسعه پایدار بوده و بدون کمک اقتصاد متکی بر فروش محصولات نفتی و ذخایر زیرزمینی باشد، لازم است از اهرم تعاون و مشارکت مردمی که البته معنایی وسیع تر از عنوان مصطلح شده آن دارد به عنوان محور اصلی فعالیتها و هم ابزار رسیدن به هدف استفاده نمائیم و هم اینکه خود مشارکت و توسعه مشارکتی کار را نوعی توسعه به شمار آوریم.

س: آقای دکتر، چگونه می توان از تجربیات تعاونیها و یاریگریهای سنتی برای کارآمد کردن تعاونیهای جدید سود برد؟ و آیا

جنابعالی تصور می کنید که این تجربیات

می تواند از جمله راهبردهای مثرتر و مفید برای تعاونیهای جدید و سازمان یافته امروزی برای حل برخی مسائل مبتلا به جامعه و نیز گسترش این سازمانهای اقتصادی و اجتماعی مناسب، باشد؟

ج: باید گفت که درباره امکان چنین کاری اختلاف نظر فراوان وجود دارد، برخی از متخصصین امر تعاون در ایران معتقدند انتقال این تجربیات از تعاونیها و یاریگریهای سنتی به صنعتی غیرممکن است. اینان کسانی هستند که گمان می کنند باید برای هر دوران تاریخی سازمانهای خاص همان دوران را بی کم و کاست انتظار داشت، در حالی که عده ای دیگر و از آن جمله اینجانب برای این اعتقاد است که به قول «زیمل» در «جامعه شناسی صوری» آنچه که مهم است قواعد بازی است و نه جنس مهرها. (اشاره به بازی شطرنج) و بر این اساس ما معتقدیم که قواعد و ساختار روابط تعاونی از دورانی به دوران دیگر چنان متفاوت نخواهد بود که امکان استفاده از این تجربیات را غیرممکن سازد و همه دورانهای تاریخ بشر از چند میلیون سال پیش تا چند هزار سال آینده و در هر جا و در هر زمینه ای «خودیاری»



«جو بردی» در «قلعه آسناخور».



«آره»: ماریگری در کلاب دری.

خودیاری است. همچنین است در زمینه «همیاری و دگریاری» آنچه که تغییر می‌پذیرد زمینه‌هایی است که این یاریگریها در آن اتفاق می‌افتد و ما تجربه این تغییر زمینه‌ها را در چند دهه گذشته داشته‌ایم که در آن زمینه‌ها به سرعت تغییر یافته‌اند، اما نوع یاریگری و ساختار آن همچنان به زندگی خود ادامه داده است. ما نباید انتظار داشته باشیم که مثلاً با تغییر دورانهای تاریخی همچنان با انواع متفاوتی از خانواده روبرو بشویم که دیگر نتوان آنها را زیر چتر خانواده مورد بررسی قرارداد و نتوانیم از تجربیات نوع خانوارهای قدیمی‌تر در خانواده‌های جدید استفاده کنیم. برای مثال در جامعه دیروز سنتی ما به اقتضای زمینه‌ها دارای چندین هزار تعاونیهی جمع‌آوری شیر (دامداران خرده پا یا «چگنه»)

بوده‌ایم اما با تغییر شرایط همیاری در زمینه گردآوری شیرهای نسبتاً ناچیز دامداران خرده پا هم اکنون مسیر این روند تغییر یافته است. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگویم اینکه از چند سال پیش از شروع انقلاب اسلامی تاکنون با زایش و افزایش هزاران «آره پول»، (انواعی از صندوقهای قرض‌الحسنه) روبرو هستیم که در آن پس‌اندازهای اندک خانواده‌های کم‌بضاعت در آن یک کاسه شده و به ترتیب خاصی این امکانات هر از چندگاه در اختیار یکی از اعضای نیازمند قرار می‌گیرد و یا قوانین حاکم بر «بنه‌های» ما در گذشته همان است که ما امروز در تعاونیهای تولید کشاورزی با آن روبرو هستیم.

به عبارت دیگر ما معتقد هستیم که می‌شود از تجربیات گذشته، جامعه خودمان و نیز دیگران دقیقاً در راستای بهینه‌سازی تعاونیهای جدید یا صنعتی سود جست. مثلاً تجربه تعاونیهای چند هزاره و چندین هزار ساله

خصوصی میل پیدا می‌کنند.

س: در خاتمه گفتگو چنانچه مطلب

خاصی دارید بفرمایید؟

ج: من امیدوارم که با وجود متولیان قانونی

بخش تعاونی در ایران و از آن جمله وزارت

تعاون با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمانهایی

که قاعداً مسئول آموزشهای عمومی مردم

جامعه ما بویژه دانش‌آموزان و دانشجو یابند

بتوانیم علاوه بر کارآمد کردن تعاونیها چه با

استفاده از تجربیات سنتی جامعه بومی ما و چه

با استفاده از تجربیات سایر ملل، فرهنگ

یاریگری و تعاون را در جامعه اعتلاء بخشیم. و

به عبارت بهتر بتوانیم بین مردم جامعه سنتی و

یاریگرمان (که متأسفانه امروزه به دلایلی سلطه

این فرهنگ مترقی تضعیف گردیده و حتی در

مواردی به انقطاع کشیده شده) دوباره پیوند

برنیم.

از شما به خاطر شرکت در این گفتگو

مشکریم.

«آره» نشان می‌دهد که جامعه ما بدلیل

گونگون آمادگی این را دارد که تعاونیهایی

مخصوص زنان داشته باشد. یعنی چنین

تعاونیهای ویژه‌ای هم مورد قبول زنان جامعه ما

و هم مورد تائید مردان جامعه ما بوده است.

توجه به کارکردهای جانبی سازمانهای تعاونی

سنتی (کسارکردهای روانی، اجتماعی و

آموزشی آن) به ما کمک خواهد کرد که از

این کارکردهای جانبی برای ایجاد انگیزه بیشتر

در میان اعضاء استفاده کنیم. ما باید به این مسئله

اساسی توجه کنیم که چه رموزی در تعاونیهای

سنتی ما وجود داشته است که بدون هیچگونه

ارشاد و حمایت توانسته‌اند در طول قرن‌ها و

هزارها به حیات خود ادامه دهند، در حالی که

در غالب تعاونیهای صنعتی و در مناطق مختلف

جهان چنین به نظر می‌رسد که در بسیاری از

موارد با حذف حمایت‌های دولتی، تعاونی از هم

فرو پاشیده و یا اینکه از هدفهای تعاونی خود

به دور می‌افتند و یا به سمت شرکتهای تجاری

نمونه، بسیاری تعاونیها تنها «سرپرستان خانواده» و فقط یک نفر در هر خانواده را به عنوان عضو می‌پذیرند. محدودیت بعدی، فشار کار سنگین بر زنان است که دیگر وقت اضافی برای آنان باقی نمی‌گذارد تا در فعالیتهایی حضور یابند که همچون کار در زمینه تعاونی و شرکت در جلسات سریعاً بازده مادی به‌همراه ندارد.

۱-۴-۱-۴ تعاونیهای کشاورزی

ویژگی تعاونیهای کشاورزی این است که آنها مختص به کشاورزان مالک زمین هستند. این شرط عضویت، توده‌های مردم فاقد زمین و از جمله قشر وسیع زنان را از حضور در تعاونیهای کشاورزی محروم می‌کند. در کشورهایی که زنان حق مالکیت زمین را ندارند اما عملاً از زمین کشاورزی استفاده می‌کنند، شرایط عضویت در تعاونی را می‌توان به نحوی بازپردازی و تعریف نمود تا پاس‌خوگی حق استفاده از زمین به جای مالکیت آن باشد.

به علاوه، در اصلاحات اراضی بعمل آمده، بیشترین بهره نصیب «سرپرستان خانواده» شده است که این کار به معنای حاشیه‌ای شدن کامل نقش کشاورزان زن می‌باشد. در کاستاریکا زنان در مبارزات دهقانان برای زمین حضور فعال داشتند، اما پس از انجام اصلاحات عملاً زمینی به زنان واگذار نشد و صاحبان جدید زمین تعاونیها را تاسیس کردند.

وانگهی، بسیاری از تعاونیهای کشاورزی رسمی همچنان بر نظام تک محصولی و بازارهای صادراتی متمرکز هستند، در حالی که

تعاونیها و زنان

(قسمت دوم)

نوشته: سائین بکر - دفتر بین‌المللی کار شاخه تعاون - ژنو
برگردان از: اداره امور بین‌الملل وزارت تعاون

• این واقعیت را نباید نادیده گرفت که زنان عضو تعاونیهای مختلط، در جایی که مردان تصمیم‌گیرنده اصلی هستند نقش انفعالی و حاشیه‌ای دارند. شواهد و قرائن گویای آن است که زنان در تعاونیهای مختلط مایلند تصمیم‌گیرنده اصلی باشند حال آنکه مردان رغبتی به تقسیم مسئولیتها با زنان نشان نمی‌دهند.

تعاونی و تولید محصول قابل مبادله با پول و صنایع دستی مزدی دریافت نمی‌کنند، حتی اگر شخصاً عضو تعاونی نباشند، به طور غیرمستقیم در تعاونیها مشارکت دارند و گرچه خود از کار برای تعاونیها بهره‌ای نمی‌برند، اما از طریق عضویت و درآمد همسرانشان از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند. در واقع حتی ممکن است به‌دور رفتن وقت مفید زنان برای کارهایی چون تهیه غذا، آنان را از کارهای دیگر باز داشته و متضرر سازد.

۴-۱-۴ بخش اقتصادی

یکی از دلایل عدم مشارکت فعال زنان در تعاونیهای مختلط، نارسایی قوانین تعاونی در بسیاری از کشورهاست. این قوانین بطور صریح بین زنان و مردان فرق نمی‌گذارد بلکه تبعیض در شرایط عضویت نهفته است. برای

۴- تنگناهای مشارکت زنان در تعاونیها

حضور زنان در تعاونیهای مختلط همچنان در سطحی نازل مطرح می‌باشد، گرچه این حضور به نسبت کشور، نوع تعاونی و میزان رسمی بودن تعاونی متفاوت است. طرد زنان از صحنه‌های تصمیم‌گیری و خنثی بودن نظر آنان، عموماً مشخصه تعاونیها نیست بلکه بازتاب وضعیت کلی نهادها، سازمانها، ادارات، و در مجموع، فلسفه سیاسی یک کشور است. با این وجود اگر تعاونیها مورد بحث باشند، وضعیت مذکور اعتبار اصل عضویت آزاد تعاونیها را زیر سؤال می‌برد.

یکی از ویژگیهای خاص تعاونیها درگیر کردن همه اعضاء خانواده در فعالیتهای تعاونی است. زنان و گهگاه کودکان، که به عنوان نیروی کار خانواده در قبال کار بر روی زمین

زنان در بسیاری مناطق عمدتاً درگیر تولید مواد غذایی می‌باشند. در نتیجه، عضویت زنان هنوز جنبه بهره‌وری اقتصادی برای تعاونیها ندارد و بدیهی است که هیچگونه خدماتی که پاسخگوی نیازهای کشاورزان زن باشد نیز ارائه نمی‌گردد.

۴-۱-۲ اتحادیه‌های اعتباری / تعاونیهای پس‌انداز و اعتبار

درصد اعضاء زن در تعریفیهای پس‌انداز و اعتبار و اتحادیه‌های اعتباری در مقایسه با بنگر انواع تعاونیها رقم بالایی را نشان می‌دهد. گرچه در مواردی که شرط ورود به تعاونی، پرداخت حق عضویت یا پس‌اندازهای اولیه است، اما عضویت کامل زنان، با محدودیتهایی

سازمانهای مجتمع پس‌انداز و اعتبار را تشکیل می‌دهند. اما عملکردهای مالی بخصوص در میان قشر مستمند، رشد بالقوه نسبتاً محدودی را برای این طبقه موجب شده است.

۴-۱-۳ تعاونیهای مصرف

به منظور برطرف ساختن تقاضا برای کالاهای مصرفی باکیفیت و در عین حال ارزان قیمت، تعاونیهای مصرف شکل گرفتند. گرچه این هدف به موازات مسئولیت توالد و تناسل زنان در خانواده اهمیت دارد، اما مشارکت آنان به عنوان عضوی از این تعاونیها در سطحی ناچیز باقی مانده است. از یک سو عضویت در تعاونیهای مصرف غالباً به «سرپرست خانواده»

سرمایه‌گذار است. وانگهی برنامه‌های خانه‌سازی با اعانه‌های دولتی که اغلب از کانال تعاونیهای ساخت مسکن انجام می‌شود، برای زاغه‌نشینان هزینه‌گرافی دربر دارد.

در سالهای اخیر، گروههای محلی که با خودیاری مردم تشکیل شده‌اند، به جای آنکه چشم به همت و اقدام مقامات بدوزند، خود دست بکار شده و هدف را بر بهبود شرایط مسکن در حوزه‌های محل زندگی خود گذاردند. زنان نیز بطور همه‌جانبه در این فعالیتهای محلی دخیل هستند.

۴-۱-۵ تعاونیهای صنعتی و صنایع دستی

سخن از تعاونیهای صنعتی کمتر در جنبش

مشارکت برابر زنان و یکپارچه کردن فعالیتهای آنان در شکل تعاونی در بستر اصلی جریان توسعه، اثرات مثبتی بر معیارهای زندگی مردم و عملکرد اقتصادی تعاونیها برجای می‌گذارد

روبروست. زنان معمولاً نسبت به مردان درآمد نقدی کمتری برای پس‌انداز در اختیار دارند. این واقعیت که مسئولیت زنان در قبال نیازهای خانواده حتی در وضعیت بحرانیهای اقتصادی سنگینتر می‌شود، مانعی سد راه پس‌انداز آنها به شمار می‌رود.

در حالی که مردان از طریق تعاونیهای کشاورزی یا مستقیماً از بانک، اعتبار دریافت می‌کنند، زنان به دلیل محروم بودن از شرکت در تعاونیهای رسمی، به شدت به خویشاوندان خود، به انجمنهای پس‌انداز در مقیاسهای کوچک و نزولخواران وابسته و متکی هستند. موسساتی همچون بانکها، هنوز هم برای انعقاد قرارداد با یک زن بدون پشتوانه امضای یک مرد عمل نمی‌کنند. در جایی که خلاء همکاری موازی افراد وجود دارد، این زنان هستند که

محدود می‌شود. اما از سوی دیگر شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه امروزه تعداد بیشتری از تعاونیهای مصرف تنها به دست زنان تاسیس و اداره می‌شود، برای نمونه می‌توان به تعاونی مصرف زنان در کاتماندو نپال اشاره کرد.

۴-۱-۴ تعاونیهای مسکن

هنگامی که مهاجرت از روستا به شهر منجر به پدید آمدن مشکلات عدیده غیرقابل تحمل مسکن شد، مردم در مناطق شهری، بویژه در شهرهای بزرگ آمریکای لاتین و آسیا اقدام به تاسیس تعاونیهای مسکن نمودند. اعضاء اینگونه تعاونیها اساساً از طبقه متوسط جامعه بودند و عضویت زنان در آنها نسبتاً محدود بود. بی‌شک یکی از چندین دلیل عدم حضور زنان، میزان پول موردنیاز برای

تعاون به میان آمده است. با این وجود، بسیاری از سازمانها که بالفعل تحت مالکیت و مدیریت کارگران هستند، رسماً به عنوان یک واحد تعاونی صنعتی ایجاد نشده‌اند. این سازمانها برای کار و سرمایه‌گذاری برکسب و کار خاص افراد بوجود آمده‌اند و بهره اقتصادی حاصله به اعضاء کارگر تعلق می‌گیرد. تعاونیهای صنعتی همچون دیگر مشاغل، معمولاً در ارائه خدمات ویژه به کارگرانی با مسئولیتهای خانوادگی که این امر بخصوص در مورد نیازهای اعضاء زن صادق است، گام مثبتی بر نمی‌دارند. به علاوه برای شروع به کار یک تعاونی نیاز به سرمایه‌گذارهای اولیه است که توان مالی زنان پاسخگوی آن نیست و در نتیجه مشارکت دوش به دوش زنان با مردان ناممکن می‌شود.

به دلیل تداول تبعیض و تفکیک جنسی در بازار کار که در زمینه صنایع دستی سنتی شدت بیشتری دارد، زنان و مردان معمولاً بطور جداگانه اقدام به تاسیس تعاونی می‌کنند. زنان بیشتر در زمینه نساجی و پوشاک فعالیت دارند. در اینجا ذکر نمونه‌ای از آمریکای لاتین روشنگر مطلب است: در مناطق آزاد تجاری چون «منطقه فرانکاس» که شرکتهای چند ملیتی، کارگران پوشاک تولیدی در منزل را اجیر می‌کنند، تعاونی زنان شکل گرفته است. در چندین منطقه آفریقای، زنان تولیدکننده صنایع دستی بطور گروهی به تولید صابون و کرم می‌پردازند و در همان زمان مردان دهکده برای فروش، ذغال چوب تهیه می‌کنند.

۹-۱-۴ تعاونیهای ماهیگیری

در ماهیگیری به شیوه سنتی، معمولاً مردان تنها ماهیگیران هستند، در حالی که زنان به تهیه و ترمیم تورهای ماهیگیری و آماده‌سازی و عرضه تجاری ماهی می‌پردازند. با این وجود در اکثر تعاونیهای ماهیگیری، مردان ماهیگیر تنها اعضای تعاونی محسوب می‌شوند. از جمله فعالیتهای این تعاونیها مالکیت مشترک لنج‌های ماهیگیری و تامین اعتبار می‌باشد. طرحهای بخش تعاونی (Coop) در مکزیک و مالی (Acopam) تعاونیهای

ماهیگیری چند منظوره‌ای را با عضویت مشترک مردان و زنان و فعالیتهای خاص هر دو جنس به عنوان بخشی از عملکرد تعاونی ترویج می‌دهد.

۲-۴ رسمی‌سازی تدریجی تعاونیها

میزان رسمی‌سازی و خاستگاه شرکتهای تعاونی که اعضاء یا دولت آنها را تاسیس کرده‌اند، عوامل اصلی شدت و ضعف مشارکت زنان می‌باشند.

اکثر تعاونیهای سنتی، در فهرست اعضاء خود، پایین‌ترین تعداد زنان عضو را دارند و ساختار مدیریتی آنها به طور کلی امکان حضور فعال زنان را در تصمیم‌گیریها نمی‌دهد. در کشورهای همچون اندونزی، تعاونیها بطور تنگاتنگی به دولت وابسته‌اند. در آنجا زنان نزدیک به ۲۰٪ اعضاء را تشکیل می‌دهند و حضور آنان در امر مدیریت بطور واقعی محسوس نیست. از سویی دیگر، تعاونیهای رسمی زنان وجود خارجی ندارند چرا که دولت بر مسئله یک تعاونی در هر روستا (KUD) تاکید دارد. از آنجا که خدمات ارائه شده از سوی KUD غالباً بسیار محدود است و با نیازهای زنان همسو نیست، زنان نیز جاذبه‌ای در این تعاونیها نمی‌بینند. اخیراً، برخی از تعاونیهای وابسته به KUD با برپایی واحدهای خدماتی ویژه برای زنان، اساساً در

حوزه‌های پس‌انداز و اعتبار، صنایع دستی و تعاونیهای مصرف فعال هستند. اما تجربه گروههای تعاونی محلی زنان در اندونزی نشانگر آن است که انتقال از یک گروه خودگردان به سطح رسمی معمولاً با خطر انتقال تعاونی زنان به ساختار تحت تسلط مردان مقارن است.

بر اساس یکی از مطالعات انجام شده در بخش تعاون دفتر بین‌المللی کار (ILO/Coop) در ساحل عاج، مشارکت زنان در گروههای غیررسمی در مقایسه با تعاونیهای مختلط شایع‌تر است. زنان بیشتر تمایل به حضور در گروههای مختص به خود را دارند چرا که در بین زنان بیشتر احساس را حتی می‌کنند. گرچه، طبق همان مطالعات زنان اغلب از مزایای عضویت در سازمانهای بزرگ بی‌خبرند و غیررسمی بودن اکثر گروههای زنان خود به بی‌اعتباری این گروهها نسبت به مراکز اداری رسمی مردان همچون بانکها کمک می‌کند.

با این حال، رسمی‌سازی بطور خود بخود از فرایندهای عملکرد مردمی جدا نیست؛ برای نمونه تعاونیهایی همچون انجمن زنان خود اشتغال (SEWA) در هند رسماً تاسیس شده و اصل مشارکت مردمی، عضویت آزاد و دیگر اصول تعاونی را محترم می‌شمارند. زنان به این انجمن می‌پیوندند تا هم از خدمات اعتباری و آموزشی بهره‌مند شوند و هم شاهد شکوفایی

تعاونیها و دیگر سازمانهایی که به شیوه خودیاری اداره می‌شوند، علیرغم رویارویی با بحرانهای اقتصادی و تنگناهای واقعی، چه در گذشته و حال و چه در آینده نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی جمعیت محروم، به خصوص در بخش روستایی داشته و خواهند داشت. در تمامی کشورها، شرکتیهای تعاونی نقش مهمی در زمینه‌هایی چون تامین اعتبار، کشاورزی، تهیه مواد اولیه، تولید و بازاریابی بر عهده دارند.

و تحقق خواسته‌های سیاسی و اقتصادی خود باشند.

در بعضی کشورها همچون آمریکای لاتین، تاسیس تعاونیهای رسمی معضلات اداری و قانونی عديده‌ای را بيار می‌آورد که فکر رسمی‌سازی گروه را از سر اعضاء به در می‌کند. شاید این خود یکی از دلایلی باشد که اکثر گروههای نوپای زنان تمایلی به ثبت قانونی و در نهایت رسمی شدن گروه خود نشان نمی‌دهند.

عملی‌رغم اصلاحات مردمی، تعدیل ساختاری و مواضع جدید دولتها در تضعیف سیستم مداخله دولت در امور اقتصادی، هنوز هم در چندین کشور، تعاونیها با نظارت دولت اداره می‌شوند. در نتیجه، پیوستن به تعاونیهای مختلط رسمی یا هواداری از آنها یا ثبت قانونی گروه زنان بیش از آنکه مزیتی داشته باشد، ضروروزیان در بردارد. بعضی از سیاستهای جدید کشورها همچون توسعه روستایی بر اهمیت سازمانهایی که با خودباری اداره می‌شوند، تاکید دارند. آژانسهای دولتی اغلب مسئله «ایجاد» گروههای غیررسمی را ترویج می‌دهند تا عملاً سیاستهای خود را پیاده کنند. از این رو، بسیاری از آنان حتی در شکل غیررسمی خود، بطور واقعی پاسخگوی نیازهای اعضا نبودند.

با این وجود، این مسئله عمومیت دارد که حرکتکهای مردمی در قالب گروههای خودگردان غیررسمی نسبت به تعاونیهای رسمی بیشتر در کار خود موفق هستند. این موفقیت از عواملی چون حجم سازمان، ساختار آزاد آنان و انگیزه اعضا و دیگر مسائل ناشی می‌شود. اما حتی در گروههای غیررسمی نیز

تعاونیها با ایجاد الگوی «اشتراک مساعی» به مردان و زنان امکان یکپارچه کردن منابع انسانی و در نتیجه بالا بردن توان اقتصادی می‌دهند. تعاونیها موسساتی هستند که موجبات خودیاری را برای زنان فراهم می‌سازند و به مدد ساختار مردمی خود به زنان به عنوان اعضا، و شاغلین در تعاونی فرصت مشارکت در تعاونی و اثر بخش بودن در فعالیتهای اقتصادی را می‌دهند.

شوند. به علاوه، گروههایی که ساختار آنها سنتی است، مشروعیت اجتماعی و سیاسی را با فعالیتهای اقتصادی تعاونی درهم می‌آمیزند، نتیجه این امتزاج، ایجاد برخوردهایی در داخل گروه است که بر میزان عایدی و سودبخشی فعالیتها اثر سوء می‌گذارد.

از این رو می‌توان گفت که همکاریهای فنی شاخه تعاون (Coop) بر تحکیم مشارکت اعضا و مدیریت مردمی تعاونیها، خواه رسمی یا غیررسمی تاکید دارد. هرگاه حضور فعال و مدیریت مردمی با کاهش سلسله مراتب همراه باشد، تساوی بیشتر اعضا زن و مرد را به ارمغان می‌آورد.

۳-۴ درباب سازگاری عضویت زنان و مردان

زنانی که به تعاونیهای رسمی مختلط (با حضور مردان) ملحق می‌شوند، بیشتر به شالوده و جریان اصلی تلاشهای توسعه‌ای دسترسی دارند. عضویت در تعاونیها برای آنان به منزله افزایش بهره‌وری و درآمد و ارتقاء سطح معیارهای زندگی خانواده است. پیوستن به تعاونی کشاورزی به معنای مهیا بودن تسهیلاتی چون زمینهای حاصلخیزتر، مواد

زنان الزاماً به سطح مدیریت راه نمی‌یابند حتی اگر مشارکت آنان در مقایسه با تعاونیهای سنتی در حد قابل ملاحظه‌ای باشد. در مناطق روستایی بسیاری از سازمانهای خودگردان جدیدالتاسیس براساس انجمنهای سنتی روستایی، گروههای سالمندان، گروههای کارگری و غیره شکل می‌گیرند که طبق قانون مدون، غیررسمی محسوب می‌شوند اما در عین حال شدیداً به سلسله مراتب وابسته هستند. رهبران سنتی بطور متعارف اعمال نفوذ می‌کنند و زنان و غالباً جوانان رسماً در تصمیمی‌گیریها شرکت ندارند. سلسله مراتب و طبقه‌بندیهای سنتی می‌توانند همچون سدی مانع روند طبیعی روشهای مردمی و آزاد



اولیه کشاورزی (کود و بذر)، فرصتهای آموزشی و خدمات گسترده تر است. تعاونیهای صنعتی و صنایع دستی امکان حضور در بازارهای کار با امنیت شغلی بیشتر و شرایط کاری بهتر را برای زنان فراهم می‌کند. زنان از طریق تعاونیهای بازاریابی می‌توانند تولیدات خود را با سهولت بیشتر به فروش برسانند.

اما این واقعیت را نباید نادیده گرفت که زنان عضو تعاونیهای مختلط، در جایی که مردان تصمیم‌گیرنده اصلی هستند، نقش انفعالی و حاشیه‌ای دارند. شواهد و قرائن گویای آن است که زنان در تعاونیهای مختلط مایلند مردان تصمیم‌گیرنده باشند حال آنکه مردان رغبتی به تقسیم مسئولیتها با زنان نشان نمی‌دهند. بدیهی است که حدت و شدت این مسئله به نسبت منطقه، جامعه محل زندگی و پیشینه اقتصادی و دیگر عوامل متفاوت است. زنان در ساحل عاج حتی از شرکت در تعاونیهای مختلط خودداری می‌کنند تا شاید اینگونه بر سلطه‌جویی و حس تفوق جنس مذکر فائق آیند؛ از سوی دیگر آنان به مراکز تصمیم‌گیری اطمینان چندانی ندارند. تجربه نشان می‌دهد که تعاونیهای مختلط کمتر امکان بالندگی مهارتهای رهبری و مدیریت را به زنان می‌دهند. و زنان خود در توجیه و اثبات نیاز به مسائل آموزشی مدیریت با مشکلاتی مواجهند چرا که معمولاً جایگاه مدیریت را به دست نمی‌آورند.

تعاونگری زنان، بطور مثال در زمینه پس‌انداز و اعتبار روایتی طولانی‌داست. «شرکت مدنی» در آفریقای غربی و تعاونی «دیکوتی» در نپال محصول همت زنان این مناطق برای تامین هزینه‌های اجتماعی هستند. امروزه، تعاونیهای زنان امکان دسترسی بهتر به اعتبار، ماشین‌آلات، انبار و تسهیلات حمل و نقل و همچنین آموزش را برای جمع تعاونگران فراهم می‌سازند تا میزان بهره‌وری نیز افزایش یابد.

مشارکت در گروههای مختص به زنان نه تنها قدرت افزایش درآمد زنان را بالا می‌برد بلکه نظارت بر درآمد را نیز شخصاً به دست آنان می‌سپارد. پیامد آن تاثیر مثبت بر وضعیت زندگی کل خانواده است چرا که زنان بیشتر مایلند درآمد خود را مطابق با مسئولیتهاشان یعنی اساساً برای معاش یا سرمایه‌گذاری مجدد مصرف کنند و تنها سهم اندکی را به پیش آمدهای احتمالی و مصارف زودگذر اختصاص دهند.

زنان با حضور در سازمانهای مختص به خود، علاوه بر برخورداری از مزایای اقتصادی، فرصت کسب تجربه در زمینه رهبری و مدیریت و همچنین شکستن دیوارهای جدایی آنان را از نیمه دیگر جامعه بدست می‌آورند. فعالیت در گروههای زنان به آنان کمک می‌کند تا حس خود باوری را که پیش نیاز مشارکت در تعاونیهای مختلط است،

به دست آورند. جامعه کارگری زنان (WWF) در هند به عنوان یکی از تعاونیهای رسمی زنان و دیگر سازمانهای زنان از کشورهای در حال توسعه مسئله «توانمندی» زنان را در سرلوحه اهداف خود قرار داده‌اند.

از سویی دیگر، گروههای زنان باید با مشکلات خاصی چون مدیریت، تخصصهای علمی و فنی، فشارهای سیاسی و دیگر مسائل روبرو شوند. گروههای غیررسمی زنان اغلب از مدیریت ضعیف ناشی از نبود فرصتهای آموزشی، کمبود وقت، بی‌تجربگی در زمینه اقتصاد پولی و نحوه درست برخورد با اولیاء امر متحمل خسارتهایی می‌شوند. به دلیل بالا بودن نرخ بیسوادی، بخصوص در میان زنان روستایی، و محدودیت آموزشهای مهارتی در کارهای «سنتی» زنان، این گروهها غالباً چاره‌ای جز اعتماد به افراد خارج از گروه برای سپردن کارهای اجرایی و فنی خود ندارند. نمونه‌ای مناسب از بخش تعاون در این مورد در سنگال یافت می‌شود که گروههای زنان آسیابهای غلات را می‌چرخاند اما نگهداری و ادامه کار آنان برعهده یک آسیابدار مرد است. گروه زنان برای کار آسیاب که بستگی مستقیم به کار این مرد دارد، به او دستمزد می‌پردازند.

بسته به نوع تفاوت‌های اجتماعی در جامعه و میزان سنخیت در تعاونیهای زنان، اختلافهای اجتماعی و اقتصادی موجب تضادهایی در بین

• تجربه نشان می‌دهد که تعاونیهای مختلط کمتر امکان بالندگی، مهارتهای رهبری و مدیریت را به زنان می‌دهند و زنان خود در توجیه و اثبات نیاز به مسائل آموزشی مدیریت با مشکلاتی مواجهند و براین اساس معمولاً پست مدیریت را به دست نمی‌آورند.

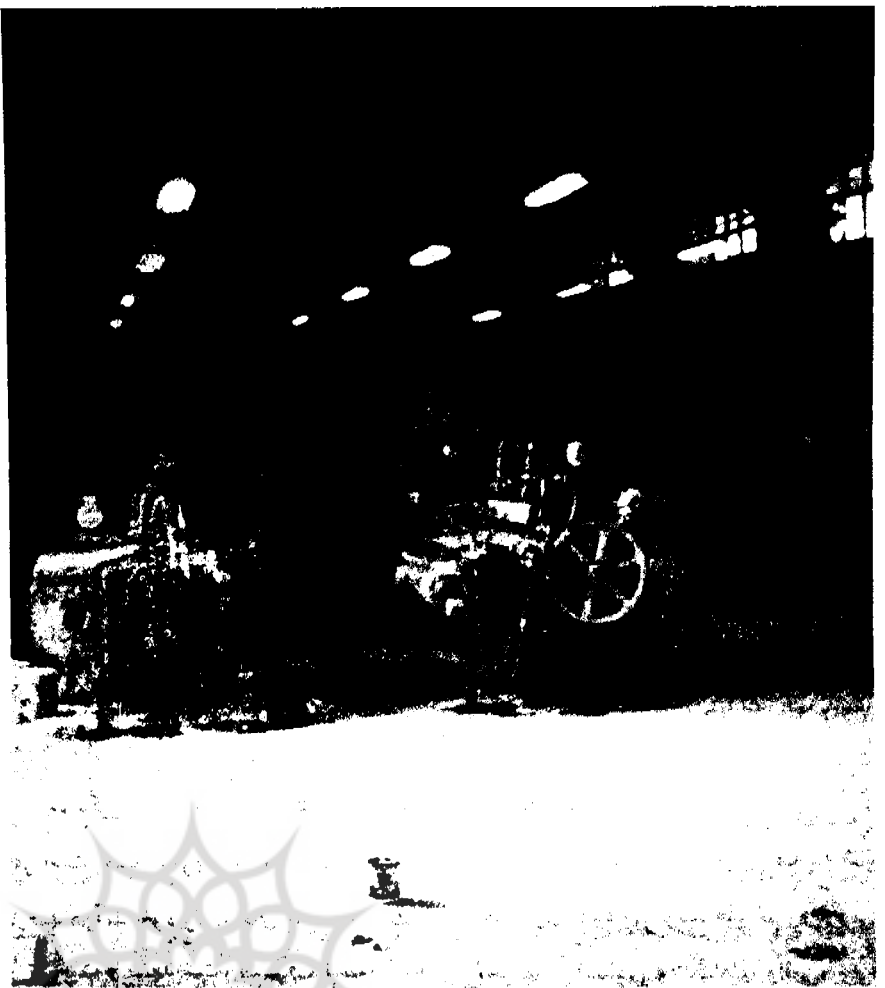
موانع سیاسی مضاعف از سوی مردان سیاستمدار یا نارضایتی اعضای مرد خانواده به انحاء گوناگون مواجه می‌شوند.

از دیدگاه اقتصادی، گروههای زنان و تعاونیها ثابت کرده‌اند که در کار خود کاملاً موفق هستند. تجربه به ما می‌آموزد که در قلمرو اعتبار، سازمانهای تعاونی زنان از نظر درجه اطمینان به گشایش اعتبار و بازپرداخت هزینه‌ها بالاتر از خط میانگین هستند.^۳

مشارکت برابر زنان و یکپارچه کردن فعالیتهای آنان در شکل تعاونی و در بستر اصلی جریان توسعه، اثرات مثبتی بر معیارهای زندگی مردم و عملکرد اقتصادی تعاونیها برجای می‌گذارد. وحدت کامل زنان در تعاونیها نه تنها برای تامین و تحقق اصول تعاونی همچون دموکراسی، استقلال رأی، عضویت آزاد، مشارکت و توسعه اجتماعی ضروری بنظر می‌رسد بلکه برای دستیابی به هدف توسعه پایدار اقتصادی نیز اجتناب‌ناپذیر است.

با این وجود، مشارکت زنان در تعاونیها باید در کلیه سطوح تشکیلات تعاونی یعنی در سطح عضویت یا مقام مدیریت و عوامل تصمیم‌گیرنده صورت گیرد تا بتوان آن را مشارکتی پایدار نامید.

در بخش تعاونیهای کشاورزی، حضور مساوی زنان و همسو شدن تلاشهای اقتصادی آنان با یکدیگر، چشم‌اندازهای تازه‌ای به سوی عملکرد یکپارچه‌تر بازار و تولید محصولات غذایی خواهد گشود و به جای قرار گرفتن در حصار نظام تک محصولی، حرکت به سمت تنوع تولید تسریع خواهد شد. دستاوردهای این حرکت بهبود امنیت



از روند اصلی فعالیتهای بدورنگاه داشته می‌شوند و این طرز برخورد را اینگونه توجیه می‌کنند که با اختصاص دادن سهم اندکی از پول و دیگر کمکها نیز تاکنون از این گروهها حمایت شده است. از سوی دیگر، برای زنان بطور اخص این احتمال وجود دارد که دولت و نمایندگیهای توسعه، آنان را به هر شکل و وسیله در گروههای «غیررسمی» تعاونی مجتمع نمایند. این دفاتر و نمایندگیهای توسعه تحت فشارند تا زنان را نیز بی‌بهره نگذارند و در مجموع کمک به گروه ساده‌تر از کمک به فرد بنظر می‌رسد.

گذشته از فشارهای سیاسی علیه جنبشهای مردمی در برخی کشورها، زنانی که خواستار ایجاد تشکیلات خاص خود هستند اغلب با

زنان می‌شود. زنان از قشر فقیرتر جامعه زیر سیطره زنان طبقه متوسطه، مرفه یا «اعیان» قرار دارند که بر کارهای مهم گروه زنان مسلط می‌شوند. برای مثال گروه براهیم در نپال از پذیرش زنان طبقه محروم در گروه پس‌انداز و اعتبار خود ممانعت به عمل می‌آورد. همچنین در کشور مالی همسران رهبران سیاسی محلی بطور مطلق اختیار تصمیم‌گیری در مورد گروه زنان را دارند.

زمانی که صحبت از کمکهای توسعه‌ای در میان باشد، زنان حتی اگر در گروههای مختلف متشکل شوند، باز هم این احتمال وجود دارد که نهادها و سازمانهای دست‌اندرکار توسعه آن گروهها را لایق دریافت کمک ندانند. گروههای زنان، بخصوص نوع غیررسمی آن

موسسات تجاری کوچک، نهادهای اجتماعی و مشارکت زنان.

از آنجا که این اولویتها مترادف مفاهیم «توسعه پایدار انسانی» است، لذا محتوی آن را می‌بایست در قالب تدابیر عملی موجود در سیاستهای اقتصاد کلان و طرحهای توسعه آفریقا تفسیر و تبیین نمود. اما این الگوی جدید توسعه مستلزم بررسی و بازسازی ساختار سیستمهای کنونی در زمینه‌هایی چون سیاست، تعلیم و تربیت، تولید، مصرف، تقسیم درآمد، محیط‌زیست و امداد رسانی می‌باشد.

۴- نقش تعاونیها

تعاونیها و دیگر سازمانهایی که به شیوه خودیاری اداره می‌شوند، علیرغم رویارویی با بحرانهای اقتصادی و تنگناهای واقعی، چه در گذشته و حال و چه در آینده نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی جمعیت محروم، به خصوص در بخش روستایی داشته و خواهند داشت. در تمامی کشورها، شرکتهای تعاونی نقش مهمی در زمینه‌هایی چون تامین اعتبار، تهیه مواد اولیه، تولید و بازاریابی محصولات کشاورزی برعهده دارند. شرکتهای تعاونی در کشور ساحل عاج طی سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ حدود ۴۴ درصد محصول قهوه و کاکائو به ارزش بیش از ۴۰۰ میلیون دلار آمریکا را در معرض فروش گذاردند، در بنین^(۳)، ۱۳۹ تعاونی پس‌انداز و اعتبار در خلال سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۱ حدود ۲۰۶۹۵۸۸ دلار پس‌انداز را به جریان انداختند. حتی در کشورهای ساحلی چون بوركینافاسو، ۱۴۷ شرکت تعاونی پس‌انداز و

توسعه مستمر نیروی انسانی در جهان

مأخذ: گزارش و دستور کار بیست و یکمین اجلاس آی.سی.ا. منچستر ۱۹۹۵
به مناسبت یکصدمین سالگرد تاسیس اتحادیه بین‌المللی تعاون (۱۸۹۵-۱۹۹۵)

برگردان: طاهره فرخی
مرجانه سلطانی
قسمت دوم

۳- وضعیت اقتصادی

وضعیتی مشابه در زمینه بهداشت بویژه گریبانگیر زنان باردار (۵۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵) و کودکان زیر پنج سال (۴۳ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵) می‌باشد.

غم‌انگیزترین نتیجه بحران اقتصادی، رشد فقر است. طبقه محروم جامعه قریب به ۸۰ درصد درآمد خود را، به جای پس‌انداز، تعلیم و تربیت و بهداشت، صرف تهیه غذا می‌نماید. اتخاذ سیاست آزادی^(۲) اقتصادی، که اغلب منتج به افزایش بهای مواد غذایی می‌شود، اثرات منفی جدی بر معیارهای معیشت طبقه فقیر داشته است.

به دلیل تشدید این مشکلات، چنانچه سریعاً تدابیر جدید و اقدامات منسجم و پایدار در این خصوص اتخاذ نگردد، آینده‌ای مصیبت بار آفریقا را تهدید می‌نماید. اما بدلیل پیچیدگی مشکلات، ارائه راه‌حلهای سریع و یا اقدامات ساده نیز امکان‌پذیر نیست.

سازمانهای بین‌المللی در مورد الویت قاره آفریقا برای انجام پاره‌ای اقدامات در سالهای آتی اتفاق نظر دارند. این اولویتها عبارتند از: تقویت منابع انسانی، توسعه موسسات کشاورزی به منظور افزایش درآمد، تامین موادغذایی، حفاظت از محیط‌زیست، ترویج

قاره آفریقا، به استثنای چند کشور از جمله موریتانی، بطور جدی با بحران اقتصادی روبرو است. شماری از اقتصاددانان، از دهه ۸۰ به عنوان «دهه از دست رفته» یاد می‌کنند. مشخصه‌های بحران اقتصادی آفریقا عبارتند از: رشد بطنی کشاورزی، نقصان تولیدات صنعتی، روند ضعیف صادرات، افزایش بدهیها و سیر نزولی خدمات اجتماعی، نهادها و شرایط زیست محیطی. در کشورهای صحرای^(۱) آفریقا میانگین رشد اقتصادی ۳/۴ درصد یعنی کمی بیش از نرخ رشد جمعیت می‌باشد.

از سوی دیگر، این بحران خسارت قابل ملاحظه‌ای به نیروی انسانی وارد نموده است. در بسیاری از کشورها هزینه‌های تخصیص یافته برای خدمات اجتماعی به شدت کاهش یافته، سطح تعلیم و تربیت تنزل چشمگیری داشته و میزان مرگ و میر نوزادان همچنان بالاست. کشورهای افریقایی با بکارگیری «برنامه‌های تعدیل و اصلاح ساختاری» تنها یک چهارم بودجه خود را صرف مسائل آموزشی می‌کنند که حتی برای نیمی از کودکان در سن دبستانی نیز بسنده نیست.

اعتبار بین سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۹۳ معادل ۱۲۰۰۰۰۰ دلار جمع آوری نمودند.

در کلیه کشورهای ساحلی، بانکهای غلات به تاسیس نوع خاصی از شرکت تعاونی اقدام نمودند که دو وظیفه عمده در زمان تقاضا و یا کمبود مواد غذایی برای آنان فرض شده است. این تعاونیها با خرید غلات در زمان تولید مازاد بر مصرف و ذخیره سازی آنها در انبارهای کوچک روستایی، امکان عرضه سریع آن به مردم نیازمند و همچنین تثبیت قیمتها در بازارهای محلی را فراهم می آورند. از آنجا که تامین مواد غذایی، بخش مهمی از مفهوم توسعه پایدار نیروی انسانی را به خود اختصاص می دهد، لذا بانکهای غلات در تحقق این مفهوم مشارکت دارند.

در کشورهای ساحلی، به دلیل کمبود میزان بارندگی، طی سه یا چهار ماه از سال کشاورزی

امکسان پذیر است. شرکتهای تعاونی و گروههای روستایی با تهیه ذخائر کوچک آب، کشاورزان را به برداشت محصول در طی فصل خشک سال (نخودسبز، توت فرنگی، انبه) و صدور آن در خارج از فصل به اروپا و کشورهای همسایه قادر می نماید.

تعاونیها و گروههای روستایی همچنین در اموری چون ایجاد مشاغل فصلی، تنوع منابع درآمد، مقابله با مهاجرت روستایی و تامین اقتصادی و توسعه انسانی مشارکت دارند.

احیاء جنگلها و ایجاد موانع ضد فرسایش اغلب در زمره فعالیتهای شرکتهای تعاونی و گروههای روستایی بوده و از این طریق با فرسایش زمین و گسترش بیابانها مبارزه و از محیط زیست روستایی حفاظت بعمل می آورند.

در این راستا، انواع جدید تعاونی، نظیر

شرکتهای تعاونی جمع آوری زباله در شهرها و تعاونیهای کارگران جنگل در ساحل عاج، جهت حفاظت از محیط زیست در حال شکل گیری است.

در آفریقای غربی، زنان همواره نقش مهمی در زندگی اقتصادی و اجتماعی دارند. به دلیل بحران اقتصادی و بکارگیری برنامه های تعدیل ساختاری، زنان اکنون ناگزیر از انجام فعالیتهای درآمدزا، در کنار وظیفه سنتی خود بعنوان کشتکاران اصلی مواد غذایی، می باشند تا در نهایت نیازمندیهای اساسی خانواده خود را مرتفع نمایند.

در برخی مناطق، تعاونیها موجب دگرگونی در عادات و روشها و اقدامات فرهنگی سنتی شده اند. تعاونیهای پسراننداز و اعتبار در ساحل عاج و شماری از کشورهای ساحلی موفق شده اند روش برخورد مردان با مسئله پرداخت وام تعاونی به همسرانشان را تغییر دهند. همین مسئله در مورد حق اظهار نظر و کسب درآمد زنان در زمینه های گوناگون نیز صادق است.

تعاونیها در سلامت و بهداشت زنان نیز سهم هستند. بسیاری از تعاونیهای روستایی گزارش داده اند که ایجاد درآمد برای زنان، آنان را به خرید ملزومات درمانی قادر ساخته است. به این ترتیب برخی از تعاونیها بخشی از جلسات تعلیماتی خود را به اجرای برنامه های تغذیه، مراقبت از کودکان و آموزش بهداشت اختصاص داده اند. در سنگال، بورکینافاسو و مالی، با حمایت تعاونیها، زایشگاهها و درمانگاههای مراقبتهای اولیه ساخته شده است. همچنین در بنین درمانگاههای تعاونی در



تعاونیها با ایجاد الگوی «اشتراک مساعی سازمانی» که پیروز از بوته آزمایش درآمده است، به مردان و زنان امکان یکپارچه کردن منابع انسانی و در نتیجه بالا بردن توان اقتصادی خود را می‌دهند. تعاونیها سازمانهایی هستند که موجبات خودیاری را برای زنان فراهم می‌سازند. به مدد ساختار مردمی خود، به زنان به عنوان اعضا و شاغلین در تعاونی، فرصت مشارکت در تعاونی و اثربخش بودن در فعالیتهای اقتصادی را می‌دهند. بدین نحو زنان به فرصتهایی در جهت خودیاری دست می‌یابند که بدون کمک تعاونیها چنین امکانی برای آنان وجود نداشت.

از اینرو تعاونیها یک چارچوب ایده‌ال برای وحدت اجتماعی و تعالیم عملی در دمکراسیهای نوپای آفریقای غربی بنیان نهاده‌اند.

اگر تعاونیها و گروههای روستایی وجود نداشتند، وضعیت اقتصادی و اجتماعی جمعیت روستایی به مراتب بدتر از اوضاع کنونی بود. در نبود اتحادیه‌های کشاورزی، تعاونیها و دیگر گروههای متشکل از کشاورزان تنها سازمانهای مشوق و مدافع کشاورزان خرده پا بوده و از این طریق به تحکیم پایه‌های دموکراسی کمک می‌کنند.

تعاونیها همچون سایر بخشها در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قانونی خود جهت ادامه حیات در محیطزیست فعلی، نیاز به تعدیل و تطبیق خود با تحولات کنونی و آینده‌نگری نیازهای آتی خود دارند و می‌بایست بیش از هر زمان دیگر بر نقش خود به عنوان شرکتهای خصوصی اقتصادی تاکید

نمایند. آنان باید به مدد مدیریت صحیح و فعالیتهای متنوع در جهت منافع اعضا کسب درآمد نمایند.

در نتیجه تمایل فعلی به آزادی اقتصادی و رهایی از قیود دولتی، از یک سو زمینه چالشهای رقابتی و از سوی دیگر فرصتهای جدید برای تعاونیها فراهم گردیده است. تعاونیها تنها در صورتی می‌توانند از این فرصتهای جدید بهره‌برداری کنند که به مسائل زیست‌محیطی کنونی واقف، خواهان تغییر و تحول و دارای خط‌مشی و اهداف منطبق و قابل انعطاف بوده و از حمایت بنیادین برخوردار باشند.

در ارتباط با احیای تعاونیها در آفریقای غربی، جان کلام را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

(الف) ترویج تعاونیها می‌بایست در یک چارچوب جهانی حاوی نحوه فعالیتهای سیاسی، قانونی، اقتصادی و آموزشی و در قالب تدابیر عملی صحیح، مرتبط و بدیع انجام پذیرد.

(ب) وضعیت تعاونیها در آفریقای غربی، معضل جایگاه انسان را به عنوان عامل توسعه و ذینفع در آن مطرح ساخته که خواستگاه اخلاقی مفهوم توسعه پایدار انسانی است.

(ج) راه‌حل مسائل غامض تعاونی را می‌توان در نکات زیر جستجو نمود:

(۱) مشارکت موثر مردان و زنان در کلیه فعالیتهای توسعه‌ای می‌بایست در اولویت قرار گیرد. مشارکت اعضا مستلزم تعلیمات مناسب، انتقال واقعی قدرت از ساختارهای دولتی و سازمانهای غیردولتی و سپردن

طرحهای توسعه به این سازمانهای خودگردان می‌باشد.

(۲) ملحوظ نمودن نیازهای ضروری و اصلی روستاییان در برنامه‌ها و طرحهای توسعه پایدار و توسعه خود پایداری؛ چنین طرحهایی باید متأثر از بازتاب واقعیهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی محل باشد؛ در اینگونه طرحها نه تنها باید منابع انسانی ملی به کار گرفته شود بلکه باید بر عدم دخالت دولت و حمایت از محیطزیست در اهداف و تدابیر عملی آنها تاکید گردد.

(۳) آزادی مردم برای تشکیل ساختارهای غیروابسته و مردمی که با واقعیت اجتماعی، وضعیت جغرافیایی، ابعاد اقتصادی و سطح علمی و فنی آنان منطبق باشند.

(۴) بکارگیری اصول و ارزشهای تعاونی همراه با مدیریت کارآمد و منطقی به منظور امکان رقابت در فضای بازار آزاد و مبتنی بر تقاضا؛

(۵) توسعه تدریجی نهضت تعاونی که فعالیت آن به طور اساسی پایه‌ریزی شده باشد و از ساختارهایی چون اتحادیه‌ها و فدراسیونها که قادر به پذیرش وظایفی چون انجام امور اقتصادی، حسابرسی، دفترداری و تنظیم حسابها و ارائه آن به سازمانهای عضو و دفاع از منافع سیاسی و قانونی آنان باشند.

آفریقای شرقی، مرکزی و جنوبی

۱- مقدمه

این روزها بیش از پیش به توسعه پایدار نیروی انسانی و کنکاش برای یافتن راههای حل این مسئله حیاتی پرداخته می‌شود. بخصوص که این امر مبتلا به آفریقای شرقی،

مرکزی و جنوبی بوده و در مجموع تمامی صحرای آفریقا را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

ویژه‌گی توسعه در منطقه تجربیاتی است که بویژه ظرف سه و نیم دهه اخیر همگام با دوران پس از استقلال بدست آمده است. از میان دهها تجربه بدست آمده می‌توان به سیاستهایی چون سوسیالیزم آفریقایی، کمونیسم، اقتصاد مختلط، رفاه محدود، سیاستهای تک حزبی، صنعت گسترده، بومی شدن، جایگزینی محصولات وارداتی، توسعه کامل روستایی، حفاظت مواد غذایی در برابر محصولات کشاورزی صادراتی اشاره نمود. اندیشه توسعه فعلی و عمل به آن بر مبنای بازسازی و تجدید ساختار، استوار است.

در اینجا نکته مهمی را باید به خاطر سپرد و آن اینکه بسیاری از این سیاستها از برون کشورهای درگیر با این مسائل نشأت می‌گیرد و یا زائیده ذهن طبقه حاکم می‌باشد.

در آغاز دهه ۱۹۸۰ مشخص شد که اهداف موردنظر از تلاشهای توسعه‌ای تا آن زمان محقق نشده است و در عوض کشورهای منطقه با بدهیهای سنگینی مواجه‌اند که حتی قادر به پرداخت آنها نمی‌باشند. تامین مواد غذایی به دلیل نقصان بهره‌وری و میزان رشد بالاتر از حد میانگین جمعیت کاهش یافته است. سیستمهای بهداشت عمومی نیز به همان ترتیب در سطح وسیعی متلاشی شده و در برخی موارد خدمات خصوصی که هزینه آن اغلب خارج از توان اکثریت مردم می‌باشد جایگزین گردیده است. درصد ثبت نام در موسسات آموزشی پایین است. محتوی آموزش نیز از کیفیت لازم برخوردار نبوده و



مزارع

دیگر همگام با نیازهای توسعه پیش نمی‌رود. فقدان فرصتهای شغلی مناسب و رقابت برانگیز موجب فرار مغزها از منطقه به دیگر کشورها شده است. در زمینه پیش‌بینی و کنترل بلایای طبیعی و غیرطبیعی پیشرفتی حاصل نشده است.

۲- ابعاد نهضت تعاونی

تاریخچه نهضت تعاون در این منطقه به آغاز قرن بیستم باز می‌گردد. پس از گذشت هشتاد سال تعداد تعاونیها به ۲۵۰۰۰ بالغ گردیده و تعداد اعضا آن به بیش از هفت میلیون نفر می‌رسد. تعاونیها در بخشهای عرضه مواد اولیه کشاورزی، بازاریابی محصولات کشاورزی، پس‌انداز و اعتبار، بانکداری، بیمه، مصرف، تولید و بازاریابی محصولات فرعی و تولیدات افزاربندی، حمل و نقل، مسکن، معدن و انرژی فعالیت دارند.

۳- کاهش فقر

تعاونیها همچون گذشته به کمکهای خود در جهت تسکین آلام ناشی از فقر موجود در

بیکر جامعه ادامه می‌دهند.

تخمین زده می‌شود که ۶۰ درصد جمعیت صحرای آفریقا^۵ در مناطق روستایی بسر می‌برند. تعاونیها نیز مناطق روستایی را کانون توجهات خود قرار داده و پنجاه و هشت درصد تعاونیهای منطقه اساس کار خود را بر کشاورزی بنا نهاده‌اند.

تعاونیها در حد توان پاسخگوی شرایط خاص اعضا بوده و اعتبارات کشاورزی در اختیار آنان قرار می‌دهند. اغلب اعضا دهقانان فقیری هستند که امکان تهیه وام از سایر منابع برایشان وجود ندارد. برخی از موانعی که امکان دستیابی به آنان را به اعتبار موردنیاز محدود می‌کند عبارتند از: فقدان ارتباط جانبی، دور بودن از موسسات مالی و رویه‌های پیچیده. تعاونیها هم از نظر روانی و هم از جهت جغرافیایی به وام‌گیرندگان نزدیکترند و در عین حال تنها خواسته تعاونیها تامین اعضا به نحو مورد انتظار آنان می‌باشد. رویه‌های دریافت وام از تعاونی نیز تسهیل شده است. روشهای بازاریابی محصولات کشاورزی در

کلیه کشورهای منطقه مشکل آفرین بوده‌اند. مشکلات مطرح در این کشورها عبارتند از: جاده‌های صعب‌العبور، مواد غذایی فاسد شدن، مسافت‌های طولانی تا بازار فروش، سوءاستفاده خریداران، پرداخت‌های عقب افتاده، عدم اطلاع از مسائل بازار، بالا بودن میزان خسارات و ضایعات بعد از برداشت محصول و بکارگیری مکانیسم‌های پرهزینه و نامناسب، تا همین اواخر کلیه مشکلات در گرو انحصارات دولتی بازار بود. تعاونیها با ارائه تسهیلاتی از قبیل انبار مناسب، سازماندهی حمل و نقل محصولات، سرمایه‌گذاری واحدهای کوچک در نهادهای اقتصادی، بازاریابی، نرخهای مصوب و برخورد مناسب با تولیدکنندگان کمک بسیاری در بهبود جریان امور کرده‌اند. گرچه به دلیل قدرت وسیع هیئتهای دولتی بر کشاورزی، مشارکت بالقوه تعاونیها تا حد زیادی محدود شده است.

امکان دستیابی به اعتبار، ساکنان مناطق روستایی را قادر به عرضه مواد اولیه اصلاح شده و ابزار کشاورزی می‌نماید تا از این طریق تولید خود را افزایش دهند. بازاریابی صحیح و کارآمد و قیمت‌گذاری مناسب تضمینی برای کسب بالاترین بازده ممکن از محل فروش کالا می‌باشد. بدین ترتیب تعاونیها با ایجاد تمهیداتی برای افزایش تولید و کسب حداکثر بازده، درآمد اعضا خود را افزایش می‌دهند. تعاونیها با افزایش درآمد بسیاری از اقشار جامعه، مشارکت مستقیم در رشد اقتصاد ملی دارند.

امکان دستیابی به پس‌انداز و اعتبار مطمئن و بدور از مسائل استثماری اهمیت بسیاری نزد فقرا و یا افراد نزدیک به خط فقر دارد.

تعاونیهای پس‌انداز و اعتبار در تمامی کشورهای منطقه تاسیس شده‌اند. این تعاونیها به اعضا امکان می‌دهند که با پس‌انداز مرتب و ایجاد منابع مالی، در مواقع ضروری از آن استفاده کرده و یا سرمایه خود را گسترش دهند. معمولاً این افراد امکان و توانایی دستیابی به منابع مالی از طرق دیگر را ندارند از این رو تعاونیها مشکلی از اقتدار اقتصادی متکی به توانایی افراد در اعمال کنترل و نظارت و مدیریت یک نهاد مالی محسوب می‌شود که امکان پس‌انداز، دریافت اعتبار و مدیریت مالی را برای آنها فراهم می‌سازد.

۴- ایجاد اشتغال

تعاونیها در زمینه ایجاد و توسعه اشتغال از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. تعاونیها با تشکیل کشاورزان و جذب سرمایه، افراد بیکار را در فعالیتهای مولد ثروت شرکت می‌دهند. تعاونیها همچون دیگر سازمانهای معتبر طیف وسیعی از نیروی کار ماهر و آماده کار را جذب کار می‌کنند. طیف مذکور افرادی چون نیروی کار غیرماهر مزارع و کارخانجات، کارگران ماهر، کاردانا فنی، مدیران سطوح میانی و تعداد اندکی از صاحبان حرف را دربر می‌گیرد. غالباً بسیاری از مشاغل به منظور فروش یا ارائه خدمات به تعاونیها و یا خرید از آنها ایجاد می‌شوند. افرادی که دارای سرمایه اندک و یا سایر وسائل هستند معمولاً سعی در عضویت در تعاونیهای کارگری صاحبان حرف و صنعتی دارند.

سراسر تاریخچه تعاونی در منطقه بیانگر سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی است. تعاونیها برنامه‌هایی چون آموزش اعضا، افزایش

رهبران تعاونیها و تعلیم کارکنان را طراحی و به مورد اجرا گذارده‌اند. اعضا تعاونی به گونه‌ای پرورش یافته‌اند که همواره قدر دان ارزشهایی چون همکاری، همیاری، عدالت اجتماعی و حق رای و تصمیم‌گیری برای خود در تعاونی باشند. رهبران تعاونی نیز می‌آموزند که چگونه تصمیم‌گیری کنند، اهمیت مسئولیت محاسباتی را تشخیص داده، شفافیت اوضاع، دموکراسی و مفاهیم تجاری را در عمل نیز مورد ملاحظه قرار دهند. بسیاری از کارکنان فعلی و کارکنان قبلی تعاونیها در مشاغلی به عنوان دفتردار، حسابدار، اقتصاددان، تاجر، مهندس، کارگران فوق‌العاده، معلم، مربی و غیره بیش از حد انتظار لیاقت و کاردانی از خود نشان داده‌اند.

۵- وحدت اجتماعی

تعاونیها به برابری و عدالت پایبند می‌باشند. یکی از اصول اساسی تعاون آزادی عضویت در تعاونی برای کلیه افرادی است که بدون تبعیضات سیاسی، مذهبی، جنسی، اجتماعی، امکان مشارکت در تعاونی و برخورداری از مزایای آنرا دارند. از اینرو تعاونیها محل اجتماع افرادی هستند که با سطح ثروت، سواد، شئون شخصی متفاوت بر پایه تساوی و برابری با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و بدینگونه حس اعتماد بنفس اهمیت به شأن انسان، امنیت و حس تعلق در آنها بارور می‌شود. همه این ویژگیها هسته مرکزی نظم اجتماعی، دموکراسی و صلح را تشکیل می‌دهند. عدول از مرام نهضت تعاون و بازگشت به محیط ناسازگار اجتماعی و سیاسی گذشته (برای مثال در اوگاندا) به ارزش

تعاونیها به عنوان وسیله‌ای برای تحقق وحدت اجتماعی شهادت می‌دهد.

شایان ذکر است که بسیاری از رهبران سیاسی و اجتماعی در این منطقه به نحوی از انحاء تجربیاتی در تعاونی دارند. وحدت و ائتلاف جنس زن و مرد ارزشی بود که از طریق نهضت اتحادیه اعتبار و تا حدی نیز بوسیله تعاونیهای کارگری بیش از دیگر بخشها بدست آمد. تعاونیهای پس‌انداز و اعتبار نزد زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، چرا که امکان اداره امور مالی و کسب اعتبار موردنیاز برای مبادرت به امور تجاری و کارآفرینی را به آنها می‌دهد. در این منطقه، زنان درصد روبه رشد عضویت را در تعاونیهای پس‌انداز و اعتبار به خود اختصاص داده‌اند (۳۹ درصد در اوگاندا، ۳۵ درصد در آفریقای جنوبی و ۹۱ درصد در لسوتو).

۶- رهنمودهایی برای آینده

به منظور دستیابی به توسعه پایدار انسانی در منطقه چه در حال و چه در قرن بیست و یکم، در وحله نخست می‌بایست اولویت را بر بنای نهادهای جامعه داد. بدون تلاش برای بازسازی و تجدید حیات نهادهای آفریقا، هرگونه حرف و بحث در خصوص توسعه و دگرگونی، خیال خامی بیش نیست.

این بدان معنی نیست که توجه به محیط‌زیست طبیعی در منطقه فاقد ارزش است. بلکه باید بخاطر داشت که پیگیری هر دو مسئله، یعنی بازسازی نهادها و حفظ محیط‌زیست، به یک میزان در چارچوب تعاونیها میسر نیست. به همین نحو ترغیب مسئله توسعه اجتماعی بدون تجهیز به جهاز

اقتصادی، انسانی، تکنولوژیکی، سازمانی، نهادین و سرمایه‌ای به بیراهه منتهی خواهد شد. ایده‌آل آنست که برای هر سه مسئله بطور همسنگ سرمایه و منابع اختصاص دهیم. در واقع با اولویت دادن به افزایش توانمندی، از اقدامات لازم‌الاجرا و ضروری برای حفاظت از محیط‌زیست و طبیعی نیز غافل نمی‌شویم. این نتیجه‌گیری برای تعاونیها بدان معناست که آنها باید تلاش و توان خود را در چند مسیر اصلی مصروف دارند:

الف) تعاونیها باید با آموزش و بازآموزی، کارکنان خود را به مهارتهای موردنیاز و مناسب مجهز نمایند. در همین لحظه تعاونیها در آفریقا بری ادامه حیات، به شدت نیازمند بالا بردن توان و ظرفیت خود هستند. در این راستا، اصلاح و ترمیم کمبودها در برنامه‌های توسعه ملی نیروی انسانی تا حدی ضروری بنظر می‌رسد.

ب) تعاونیها باید در پرتو سیاست درهای باز اقتصادی و سیاسی، خط‌مشی جدید و مشخصی را اتخاذ نمایند. اجزاء اصلی این خط‌مشی عبارت خواهد بود از ارائه خدمات



مطلوبتر، سوددهی بیشتر به اعضا و شم تجاری که همراه با تاکید بر رقابت و کارآیی باشد.

ج) تعاونیها باید به مقیاس وسیعی مبتکر ایجاد روابط کاری نزدیک با سازمانهای مردمی باشند تا بتوانند بطور موثر به مسائل رایج اجتماعی پردازند. مسائل مورد توجه این گروهها عبارتست از تغذیه، بهداشت، آموزش بزرگسالان، جمعیت، معلولین، حقوق کارگران، حقوق کشاورزان، اختلاف جنس زن و مرد، امور عمومی، انرژی، آب و محیط‌زیست طبیعی.

د) تعاونیها می‌بایست مبدع و مجری سیاستهایی باشند که شرکت زنان را در تعاونیها به عنوان عضو، تصمیم‌گیرنده، طراح، کاردان فنی و مدیر تسریع بخشند. کلیه برنامه‌های توسعه تعاونیها می‌بایست منوط به بررسی و تحلیل حساسیت مسئله جنسیت باشد.

ه) تعاونیها در چارچوب توان محدود خود می‌بایست مجموعه‌ای از فعالیتها را در خصوص حفاظت از محیط‌زیست طبیعی انجام دهند، از جمله:

- فعالیت به عنوان کانال ارتباطی عرضه محصولات و خدمات سازگار با محیط‌زیست. بطور مثال تهیه محصولات بی‌خطر شیمیایی، کشاورزی، انتشار گسترده اطلاعات و دانش ساده ولی روشن و مناسب در مورد تولید، کاشت و توزیع بذر و نهال و عرضه تکنولوژی انرژی جایگزین؛

- بالا بردن سطح اطلاعات و آگاهی در مورد اهمیت محیط‌زیست از طریق کانالهای موجود با اعضا؛

- ایفای نقش مرکز تحقیق و پژوهش